

جامعه جهانی بهائی

برانگیختن نفرت:

بهائیان سمنان

مطالعه‌ای موردی در زمینه نفرت دینی



ترجمه ای از:

یک گزارش ویژه از

جامعه جهانی بهائی

برانگیختن نفرت:
بهائیان سمنان
مطالعه ای موردی در زمینه نفرت دینی

ترجمه‌ای از:
یک گزارش ویژه از
جامعه جهانی بهائی
آبان ماه ۱۳۹۱ (اکتبر ۲۰۱۲)
www.bic.org/inciting-hatred

برانگیختن نفرت:
بهائیان سمنان
مطالعه ای موردی در زمینه نفرت دینی

ترجمه‌ای از:
یک گزارش ویژه از
جامعه جهانی بهائی
آبان ماه ۱۳۹۱ (اکتبر ۲۰۱۲)

www.bic.org/inciting-hatred

©By the Bahá'í International Community
866 United Nations Plaza
Suite 120 New York, NY 10017-1801 USA
<http://bic.org>

فهرست

۱	مقدمه	۱
۳	جامعه‌ای زیر آتشبار	۲
۶	یورش، دستگیری و زندان	۳
۸	آتش‌افروزی و ویرانگری	۴
۱۱	دانش‌آموزان مدرسه و دانشجویان	۵
۱۳	حملات اقتصادی	۶
۱۶	برانگیختن نفرت	۷
۲۰	آزادی دینی	۸
۲۲	مسئله بهائیان	۹
۲۵	نتیجه	۱۰
۲۷	ضمیمه الف – گاه‌شمار رویدادها	
۳۱	ضمیمه ب – اسناد وابسته	

۱ مقدمه

جمهوری اسلامی ایران بیش از سه دهه است که به آزار بهائیان ایران پرداخته است. بهائیان، بزرگترین اقلیت دینی غیرمسلمان در ایران را تشکیل می‌دهند. بعد از سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹)، بیش از ۲۰۰ بهائی اعدام، صدها تن دیگر زندانی و همچنین ده‌ها هزار نفر از حق تحصیل، حق داشتن شغل و آزادی انجام مناسک دینی خود محروم شدند.

از شهریور ۱۳۹۰ برابر با سپتامبر ۲۰۱۲ تا به امروز، نزدیک به ۱۱۰ بهائی، تنها به خاطر اعتقادات دینی خود، در زندان به سر می‌برند که برخی از آنها به دلیل همکاری در فراهم کردن کلاس‌های غیررسمی دانشگاهی برای جوانان بهائی محروم از تحصیل دستگیر شده‌اند.

نمایندگان جمهوری اسلامی، در برابر رسانه‌های خبری و همچنین در سازمان ملل متحد، بارها آزار بهائیان را انکار کرده‌اند. آن‌ها برای توجیه اخبار کذب خود، ادعا می‌کنند فقط تعداد اندکی بهائی در کشور وجود دارد و یا بهائینی که در زندان هستند، به دلیل جاسوسی یا دیگر فعالیت‌های ضد دولتی است.

با این حال جمهوری اسلامی، خود در بسیاری از اسناد رسمی آشکارا سیاست سرکوب و فشاری را مطرح کرده است که به طور خاص بهائیان را هدف قرار می‌دهد. این سیاست هدفمند در صدد آن است که بهائیان را به حاشیه جامعه براند. در حقیقت این نکته اعتراف ضمنی به این مسئله است که اتهام فعالیت غیرقانونی جامعه بهائی بطور آشکارا نادرست است.

مهمترین این اسناد یک سند محرمانه به تاریخ ۱۳۶۹ (۱۹۹۱)، معروف به یادداشت «مسئله بهائیان» است. این یادداشت که در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۳) توسط سازمان ملل متحد افشا شد، چیزی کمتر از نقشه‌ای برای اختناق جامعه بهائی نبود. در این سند با زبانی تند صراحتاً بیان می‌شود هدف کلی جمهوری اسلامی آن است که با بهائیان به شیوه‌ای رفتار کند که «راه ترقی و توسعه آنان مسدود شود».

این یادداشت محرمانه به تأیید بالاترین سطوح حکومتی رسیده است، به گونه‌ای که امضای رهبر ایران، علی خامنه‌ای را بر خود دارد. این سند خواهان مجموعه‌ای از گام‌ها در سیاست‌گذاری علیه بهائیان است که هدف آنها محدود نمودن معیشت بهائیان، مقابله با عقاید و فعالیت‌های دینی آنان و محرومیت از دسترسی به آموزش عالی است. علاوه بر آن، خواهان تأسیس «مؤسسات تبلیغی» برای مقابله با «فعالیت‌های اعتقادی و تبلیغی بهائیت» است.

هدف ناگفته این یادداشت آن است که بر خلاف وقایع دهه ۶۰ (دهه ۱۹۸۰) که طی آن اعدام‌ها و زندانی شدن بهائیان اعتراض گسترده جهانیان را برانگیخت، این بار بدون جلب توجه بیش از حد رسانه‌های خبری بین‌المللی و ناظران حقوق بشر، حداکثر فشار بر جامعه بهائی اعمال شود.

مورد سمنان

این گزارش ویژه، آثار این سیاست را در شهر سمنان واقع در شمال مرکزی ایران، بررسی می‌کند. شهر سمنان در ۲۰۰ کیلومتری شرق تهران واقع است. این شهر جمعیتی در حدود ۱۲۵۰۰۰ نفر دارد که بخشی از آن را چند صد بهائی از تمام اقشار و طبقات اجتماعی و اقتصادی تشکیل می‌دهند.

بهائیان سمنان با وجود تعداد اندک خود، در سال‌های اخیر هدف آزارهای رو به افزایشی بوده‌اند. آنها با رشته‌ای از حملات جسمی، روانی و اقتصادی، مواجه شده‌اند که از جمله می‌توان به بازداشت‌های خودسرانه، تعطیلی کسب‌وکار، تخریب گورستان‌ها، تقبیح اعتقادات آنان در مدارس، انتشار تبلیغات ضد بهائی و به آتش کشیدن املاکشان اشاره کرد.

در حالی که این نوع حملات فقط محدود به بهائیان سمنان نیست، ولی وضعیتی آنها با توجه به شدت عمل، اتحاد و هماهنگی عناصر رسمی و نیمه‌رسمی - از جمله نیروی انتظامی، دادگاه‌ها، مقامات محلی و روحانیون - شایان توجه است.

در مهر ۱۳۹۰ (اکتبر ۲۰۱۱)، یک گزارش منتشر شده از سوی جامعه جهانی بهائی با عنوان *برانگیختن نفرت: کمپین رسانه‌ای ایران برای پلید جلوه دادن بهائیان*، به بررسی یک کمپین گسترده رسانه‌ای تحت حمایت حکومت پرداخت که در سال‌های اخیر به شکل فزاینده‌ای آئین بهائی را پلید جلوه داده و سعی در بدنامی آن کرده است. این گزارش نمونه‌ای از تبلیغات رسمی و نیمه‌رسمی ضد بهائی، منتشر شده طی یک دوره ۱۶ ماهه از آذر ۱۳۸۸ (اواخر ۲۰۰۹) تا اردیبهشت ۱۳۹۰ (اوایل مه ۲۰۱۱) را ارائه کرد و بیش از ۴۰۰ مقاله، برنامه رادیو تلویزیونی یا صفحات اینترنتی را که در آنها به دروغ، بهائیان به عنوان منشأ همه بدی‌های قابل تصور نشان داده می‌شدند، مستند ساخت.



لکه‌های دود به جای مانده در اثر آتش‌افروزی کوکتل مولوتوف بر سطح بیرونی واحدهای آپارتمان محل سکونت دو خانواده بهائی در سمنان، ایران. این حمله در حدود ساعت یک بعد از نیمه‌شب ۷ اسفند ۱۳۸۷ (۲۵ فوریه ۲۰۰۹) انجام شد.

این کمپین رسانه‌ای ضد بهائی به دنبال آن است که بهائیان ایران را «غیرخودی»، «بیگانگی» در سرزمین خود، «دشمنان» دولت، اسلام و مردم ایران جلوه دهد. بدون شک هدف اصلی آن بوده که چنان تعصبی علیه بهائیان ایجاد شود که عموم مردم از آنها دوری جویند و به تعالیم بهائی به عنوان کفر و بدعت نگاه کنند.

گزارش کنونی در پی مستند کردن چگونگی فعالیت این کمپین رسانه‌ای ضد بهائی است. همراه با فعالیت‌های این کمپین، تلاش‌های هدفمندی از سوی حکومت صورت گرفته که با آزار مداوم بهائیان و محروم ساختن آنان از دسترسی به آموزش و اشتغال، سعی در سرکوبشان دارد. این گزارش نشان می‌دهد چگونه این تلاش‌ها در یک شهر تا نهایت درجه پیشروی کرده و در حقیقت نمونه کوچکی از نحوه برخورد با بهائیان و دیگر اقلیت‌ها در سراسر کشور است.

۲ جامعه‌ای زیر آتش بار

در نگاه اول، جرائمی که عادل فنائیان را در خرداد ۱۳۹۱ (مه ۲۰۱۲) برای شش سال راهی زندان کرد، بسیار سنگین به نظر می‌رسند. آنها شامل «بسیج یک گروه به قصد اخلال در امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران» بودند.

اما بررسی دقیق‌تر اسناد مورد نظر دادگاه نشان می‌دهد که آقای فنائیان به دلیل شرکت در فعالیت‌هایی محکوم شده است که در هر کشور دیگری کاملاً قانونی و حتی قابل تحسین هستند. فعالیت‌های وی شامل تشکیل مرتب جلسات دعا برای جامعه دینی خود، نظارت بر توسعه کلاس‌های اخلاقی برای کودکان و نوجوانان و همچنین کمک به جوانان برای دست یافتن به آموزش دانشگاهی بوده است.

مجازات سنگینی که آقای فنائیان به خاطر تلاش‌هایش تحمل می‌کند - تلاش‌هایی که باهدف یکپارچه نگه‌داشتن جامعه ستم‌دیده بهائی انجام می‌شد - تنها یکی از مجموعه احکام سنگین زندان است که در خرداد ۱۳۹۱ (مه ۲۰۱۲) برای بهائیان شهر سمنان صادر شد.

همچنین در ماه خرداد (مه)، سه بهائی دیگر نیز در سمنان به اتهامات مشابه به زندان محکوم شدند. پویا تیبانیان حکم شش سال و نیم، فرامرز فیروزیان حکم چهار سال و نیم و انیسا ایقانی حکم چهار سال و چهار ماه دریافت کردند. شوهر خانم ایقانی، سیامک، هم اکنون در حال گذراندن دوران زندانش است و زندانی شدن این خانم، دو کودک خردسالشان را از زندگی با پدر و مادر محروم ساخته است. آقای ایقانی به دلیل عمل بر مبنای تعالیم بهائی در سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۸) به اتهام‌های «عضویت در گروه‌های غیرقانونی» و «تبلیغ به نفع فرقه بهائیت» محکوم شده است. صفحه ۳۵ را ببینید.

دو تن از زنان جوان بهائی - روفیا بیدقی و ژینوس نورانی - نیز اخیراً به یک سال زندان محکوم شده‌اند. آنها دوران محکومیت خود را در زندانی به سر می‌برند که بسیار شلوغ و خطرناک است و طبق گزارش‌ها در آن تجاوز جنسی به زندانیان جوان شایع است.

طی چهار سال گذشته، بهائیان سمنان از سوی مأموران حکومت با یورش، دستگیری و بازداشت‌های روزافزونی مواجه شده‌اند؛ محل کسب‌وکار آنها هدف حملات آتش‌افروزی و دیوارنویسی قرار گرفته و یا کاملاً بسته شده است؛ گورستان‌های آنها تخریب و در رسانه‌های مختلف و بر منابر مساجد به باورهایشان حمله شده است. شاید شوم‌تر از همه شرایط کودکانشان باشد که در مدارس شهر مورد سرزنش و تحقیر قرار گرفته‌اند.

حداقل ۳۴ بهائی از سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) دستگیر شده‌اند. حدود ۲۷ محل کسب و کار بهائیان توسط مقامات دولتی تعطیل شده و بیش از دوازده خانه، ملک و محل کسب‌وکار آنها مورد حمله آتش‌افروزان قرار گرفته است.

این وضعیت سخت و اسفبار فقط محدود به سمنان نیست. بهائیان در شهرها و دهکده‌های دیگر، از جمله آباء، الیگودرز، بوکان، اصفهان، ایول، خرم‌آباد، لالچین، مشهد، پارس آباد، رفسنجان، روان سر و شیراز، با آزارهای شدیدی مواجه هستند.

آنچه سمنان را مورد اهمیت قرار می‌دهد، عمق، وسعت و شدت حملاتی است که در محدوده کوچکی طی چندین سال متمادی صورت گرفته است. علاوه بر آن، بر پایه تشویق و اجازه دولت جمهوری اسلامی است که امکان این حملات علیه بهائیان به صورت گسترده‌ای ممکن شده است. شدت یافتن حملات اخیر در این شهر نشان دهنده سطح تازه‌ای از فعالیت‌ها به منظور اجرای شدید‌تر سیاست دیرینه حکومت برای تبعیض علیه بهائیان است.

مرحله جدید آزار بهائیان سمنان در سال ۱۳۸۷ (اواخر سال ۲۰۰۸) در حالی آغاز شد که بر اساس گزارش‌ها مجموعه‌ای از سمینارها و همایش‌های ضد بهائی در سطح وسیعی برای اطلاع عموم در این شهر برگزار شد. یکی از این برنامه‌ها که در سالن تئاتر جمعیت هلال‌احمر سمنان تشکیل شد، به تحلیل ارتباط فرضی بین آئین بهائی و صهیونیسم پرداخته بود. طرح این موضوع یکی از مضامین رایج تبلیغ علیه بهائیان است.

چند هفته پس از این همایش‌ها، در سحرگاه ۲۵ آذر ۱۳۸۷ (۱۵ دسامبر ۲۰۰۸)، منازل حدود ۲۰ بهائی مورد یورش مأموران قرار گرفت. مطالب مربوط به آئین بهائی، کامپیوترها و تلفن‌های همراه توقیف شدند. نه تن از بهائیان که منازلشان هدف حمله قرار گرفته بود بازداشت شدند. یکی از این افراد در حین یورش و هشت نفر دیگر بعداً و همه به اتهاماتی کاملاً کذب یا غیرقانونی و صرفاً در رابطه با اجرای مراسم آرام و صلح آمیز دیانت بهائی، دستگیر شدند. «مدارک» گردآوری شده در این یورش‌ها چندین بهائی دیگر سمنان را به دادگاه و سرانجام به زندان فرستاد.

پس از این، سیلی از حوادث مربوط به این رویداد به جریان افتاد:

- از سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۹)، منازل، محل کسب‌وکار و گورستان‌های بهائیان با موارد متعدد آتش‌سوزی و یا ویرانگری مواجه شده‌اند. در حالی که بسیاری از این موارد ظاهراً به دست افراد ناشناس انجام گرفته، اما همه شواهد حاکی از آن است که در پس این اقدامات، احکام رسمی وجود دارد و احتمالاً از مأموران لباس شخصی نیز استفاده می‌شود. این رویدادها اغلب با نوشتن شعارهای ضد بهائی مانند «مرگ بر بهائی» بر روی ساختمان‌ها همراه بوده است.



- همراه با این حملات، مقامات محلی برای نابودی معیشت بهائیان تلاش‌های زیادی انجام داده‌اند. از جمله این موارد تصمیمی است که در دی ماه ۱۳۸۷ (اوایل سال ۲۰۰۹) توسط اتاق بازرگانی و حدود ۳۹ اتحادیه تجاری مربوطه اتخاذ شد که بر مبنای آن از صدور پروانه‌های کسب یا جوازهای مدیریتی بهائیان ممانعت به عمل آید و همچنین از تمدید پروانه‌های موجود خودداری شود. در خرداد ۱۳۹۱ (مه ۲۰۱۲) دو کارخانه متعلق به بهائیان، تعطیل شد که در نتیجه آن نه تنها حدود ۱۷ نفر بهائی، بلکه حداقل ۴۲ تن از کارکنان مسلمان نیز شغل خود را از دست دادند. روی هم رفته، تعطیل کردن حدود ۲۷ مورد کسب‌وکار متعلق به بهائیان، تقریباً ۱۱۰ خانواده را از امرار معاش محروم کرده است.

نمای داخل یک ساختمان غسلخانه برای آماده کردن اجساد در گورستان بهائیان سمنان، پس از اینکه در اسفند ۱۳۸۷ (فوریه ۲۰۰۹) توسط آتش‌افروزان مورد حمله قرار گرفته است.

- از روحانیون مسلمان دعوت شده است تا در کلاس‌های درس در مدارس سمنان شرکت کرده، به آئین بهائی توهین کنند. در برخی موارد کودکان بهائی را از هم کلاسی‌های خود جدا کرده و حتی دانش‌آموزان مسلمان تشویق شده‌اند که به دانش‌آموزان بهائی آسیب بدنی وارد آورند.

- مأموران اطلاعات، نظارت خود بر بهائیان سمنان را شدت بخشیده‌اند و ظاهراً به عنوان نوعی فشار روانی، همه‌جا آنها را تعقیب می‌کنند. طبق گزارش‌ها، تشدید نظارت سبب شده کودکان بهائی در ترس دائمی از دستگیر شدن والدین خود زندگی کنند.

این رویدادها حاکی از تلاشی هدفمند برای تحریک مردم سمنان به خشونت است، به گونه‌ای که حکومت بتواند ادعا کند این اعتقادات و فعالیت‌های بهائیان است که موجب برانگیختن «مردم» می‌شود. این تلاش همچنین آشکارا به این منظور طراحی شده که دست مقامات را باز گذارد تا با مصونیت کامل، مستقیم و یا غیرمستقیم، بر علیه بهائیان اقدام کنند.

بهائیان با اقدامات گسترده‌ای تلاش کرده‌اند تا مقامات مربوطه را متوجه این همه بی‌عدالتی نمایند و خواهان جبران خسارت شده‌اند. تقریباً در تمامی این موارد دست رد به سینه آنها زده شده که شاهد دیگری بر چشم پوشی دولت بر این حملات است.

علاوه بر این، به نظر می‌رسد که حکومت در سال‌های اخیر، شروع به آزمایش روش‌هایی نموده است که به طرز فزاینده‌ای خشونت‌بار است. این روند نه تنها به شکل افزایش دستگیری‌ها و زندانی نمودن افراد ظاهرشده، بلکه شامل برانگیختن نفرت علیه بهائیان نیز بوده است که نتیجه‌اش افزایش حملات شخصی، آتش‌افروزی، خرابکاری و نوشتن عبارات نفرت‌انگیز بر دیوارها بوده است. اغلب به نظر می‌رسد چنین حملاتی توسط شهروندان عادی آغاز می‌شوند، گرچه شواهد فراوانی از مداخلهٔ عاملان حکومت، چه به صورت مستقیم و یا از طریق تحریک به ارتکاب این حملات، وجود دارد.

۳ یورش، دستگیری و زندان

تعداد بهائینی که در ایران دستگیر و به صورت خود سرانه بازداشت یا زندانی شده‌اند، از سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۵) به شدت افزایش یافته است. حداقل ۶۱۰ بهائی از مرداد ۱۳۸۳ (اوت ۲۰۰۴) دستگیر شده‌اند و اکنون بیش از ۱۱۰ نفر از آنها در پشت میله‌های زندان به سر می‌برند.

برنامه‌ریزی حکومت برای این دستگیری و بازداشت‌ها این است که بهائیان را در حالتی از ناامنی و وحشت نگاه دارد. وضعیت کنونی در سمنان چنین تلاشی را به روشنی نشان می‌دهد.

صحنه‌ای که مأموران دولتی از اتومبیل‌های بدون پلاک خود بیرون می‌ریزند و به درب ورودی خانه‌ای هجوم می‌برند، برای بهائیان تبدیل به منظره‌ای عادی شده است. یورش‌ها معمولاً در سحرگاه با حضور حدود ۱۲ مأمور از وزارت اطلاعات با اتومبیل‌های بدون پلاک انجام می‌شود. طبق گزارش‌ها، ابتدا خطوط تلفن‌ها را قطع می‌کنند و سپس هر خانه مسکونی کاملاً بازرسی می‌شود. مأموران، تلفن‌های همراه، کامپیوترها، اسناد، کتاب‌های بهائی و دیش‌های ماهواره را توقیف می‌کنند. در مواردی اسناد ملکی، پول نقد و جوازهای کسب نیز مصادره شده است.

حداقل ۳۴ بهائی ساکن سمنان از سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۵) دستگیر و بازداشت شده‌اند. تقریباً ۲۲ بهائی سمنانی از سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۹) به زندان محکوم گشته‌اند. بیشتر این افراد بین ۲۰ تا ۳۰ سال سن دارند. مجموع دوران محکومیت آنها به بیش از ۶۵ سال زندان می‌رسد.

هم زمان با تحریر این متن، پنج نفر از افراد مورد اشاره دوران محکومیت خود را گذرانده و آزاد شده‌اند. هشت نفر دیگر نیز در حال گذراندن احکام زندان خود هستند که بیشتر آنها به تازگی صادر شده و مدت آنها از یک تا شش سال متغیر است. یکی از آنها محکومیت زندان خود را به پایان رسانده و در حال گذراندن دوره تبعید داخلی است. چهار نفر دیگر با قرار وثیقه آزاد شده‌اند و منتظر دادگاه هستند و هشت نفر دیگر تا زمان دادگاه تجدیدنظر آزادند و یا منتظر احضار برای آغاز دوران زندان خود هستند. چندین نفر دیگر هم مورد بازجویی قرار گرفته‌اند.

افزایش موج دستگیری‌ها با شدت گرفتن نظارت مأموران شعبه محلی وزارت اطلاعات همراه بوده است. گزارش‌ها از سمنان حاکی از آن است که وقتی بهائیان از منازل خود خارج می‌شوند، همه‌جا مورد تعقیب قرار می‌گیرند. اگر به مکان‌های عمومی مانند پارک نزدیک محل سکونتشان بروند، مأمورین به آنها نزدیک شده، درباره هدف آمدنشان به پارک، فردی که قرار است ملاقات کنند و آنچه قصد دارند درباره‌اش صحبت کنند، مورد سؤال و بازجویی قرار می‌دهند. بر اساس گزارش‌ها، ترس از دستگیری چنان فراگیر شده است که کودکان خردسال در حالتی از ترس دائمی زندگی می‌کنند و نگران هستند که مأموران هر آن در خانه را بزنند و والدینشان را با خود ببرند.

۹ تن از دستگیر شدگان ساکنان ۲۰ خانه‌ای بودند که در ۲۵ آذر ۱۳۸۷ (۱۵ دسامبر ۲۰۰۸) توسط مأموران حکومتی مورد یورش قرار گرفتند، ظاهراً مأموران از این یورش‌ها برای جمع‌آوری «مدارکی» علیه آنان استفاده کردند.

یکی از دستگیر شدگان آن روز صهبا رضوانی بود. او در ۲۴ بهمن ۱۳۸۷ (۱۲ فوریه ۲۰۰۹) محاکمه شد. اتهام وی «مشارکت در تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های غیرقانونی» و «تبلیغ علیه جمهوری اسلامی از طریق تشکیل کلاس‌ها و دوره‌ها و توزیع سی دی‌های آموزشی و مشارکت در تبلیغات فردی به نفع فرقه ضالّه بهائیت» تشخیص داده شد، اتهاماتی که کاملاً ریشه در فعالیت‌های او به عنوان یک بهائی دارد. او برای این به ظاهر/ به اصطلاح «جرایم» سه سال را در زندان گذراند و در آذر ۱۳۹۰ (نوامبر ۲۰۱۱) آزاد شد.

از میان هشت بهائی دیگر که منازلشان در ۲۵ آذر ۱۳۸۷ (۱۵ دسامبر ۲۰۰۸) مورد یورش قرار گرفت، سه تن از آنان محکوم به شش ماه زندان شدند.

پرونده پویا تیبانیان، فردی که اخیراً برای دومین بار دستگیر و به شش سال و نیم زندان محکوم شده، نمونه به ویژه آموزنده‌ای است از شیوه‌ای که مقامات سمنان بهائیان را سرسختانه مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند.

وی در ۱۸ اسفند ۱۳۸۷ (۸ مارس ۲۰۰۹)، در محل کارش به دست مأموران وزارت اطلاعات دستگیر شد. مأموران، دو کامپیوتر متعلق به کارفرمای او را نیز توقیف کردند. آنها آقای تیبانیان را که در آن زمان ۲۴ ساله بود، به خانه برگرداندند و بازرسی دیگری انجام دادند و اسناد و مطالب مربوط به دیانت بهائی را توقیف کردند. او تا زمان محاکمه که تاریخ دقیقش مشخص نیست، بدون اتهام در بازداشت نگه داشته شد.

زمانی، قاضی دادگاه به یکی از وکلای مدافع آقای تیبانیان گفته بود که «این [افراد] نجس و جاسوس هستند و شما نباید از آنها دفاع کنید». آقای تیبانیان به دو سال و نیم زندان محکوم شد، گرچه بعداً در دادگاه تجدیدنظر حکم او به دو سال کاهش داده شد.

با این حال، وی چندین بار دیگر دستگیر شد. پویا تیبانیان به دنبال یکی از این دستگیری‌ها در ۲۱ اسفند ۱۳۸۹ (۱۲ مارس ۲۰۱۱)، بیش از دو ماه در بازداشت به سر برد. وی در مهر/آبان ۱۳۹۰ (اکتبر ۲۰۱۱)، دوباره به مدت دو ساعت در دفتر محلی وزارت اطلاعات در سمنان مورد بازجویی قرار گرفت. در ۲۸ فروردین ۱۳۹۱ (۱۶ آوریل ۲۰۱۲) به اتهامات نامشخصی محاکمه و در خرداد ۱۳۹۱ (اواخر مه ۲۰۱۲) به شش سال و نیم زندان محکوم شد.

شواهد موجود نشان می‌دهد که قاضی پرونده آشکارا تعصب خود علیه بهائیان را به وکلای مدافع آقای تیبانیان ابراز داشته است. زمانی، قاضی حتی به وکلای مدافع که بهائی نیستند گفته بود اگر تصمیم با او بود، «همه بهائیان را نابود کرده» بود.



رونوشت دستور دادگاه انقلاب اسلامی سمنان به تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۸۸ (۸ ژوئیه ۲۰۰۹) که سیامک ایقانی را به «عضویت در گروه‌های غیرقانونی وابسته به بهائیان» و «فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام» محکوم کرد، اتهامات دروغینی که مبنای تمامی آن‌ها عمل به تعالیم بهائی است.

۴ آتش‌افروزی و ویرانگری

از سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۹)، آتش‌افروزان حداقل دوازده بار به منازل بهائیان سمنان یا به محل کسب آنان حمله کرده‌اند. آنها همچنین ساختمان‌های واقع در گورستان بهائیان شهر را به آتش کشیده‌اند.

این حملات اغلب با نوشتن متن‌های ضد بهائی به وسیله افشانه بر ساختمان‌ها و املاک متعلق به بهائیان و یا دیگر اشکال ویرانگری همراه بوده است.

حوادث شامل موارد زیر هستند:

- پرتاب بمب‌های آتش‌زا به یک آپارتمان سه طبقه که محل سکونت چندین خانواده بهائی بود. در ۱۳ بهمن ۱۳۸۷ (۱ فوریه ۲۰۰۹)، حدود ساعت ۳ صبح، دو کوکتل مولوتف به سمت ساختمان پرتاب شد که به طور مشخص آپارتمان‌های بهائیان را هدف قرار داده بود. یکی از بمب‌ها به دیوار کنار پنجره در طبقه اول و بمب دوم به ایوان طبقه دوم برخورد کرد. اعضای خانواده بعد از شنیدن صدای انفجارها فوراً شعله را خاموش کردند.
- در ۷ اسفند ۱۳۸۷ (۲۵ فوریه ۲۰۰۹)، همان ساختمان دوباره - با پرتاب کوکتل مولوتف به پنجره‌ها - مورد حمله واقع شد و یک بمب مشابه نیز پنجره‌های خانه یک خانواده بهائی دیگر در سمنان را هدف گرفت. در هر دو مورد، بمب‌ها از پنجره به داخل نفوذ نکردند و [افراد خانواده] شعله‌ها را به سرعت خاموش کردند.



- در فاصله زمانی بین اسفند ۱۳۸۷ تا شهریور ۱۳۸۸ (مارس تا اوت ۲۰۰۹)، فروشگاه‌های حداقل سه مغازه‌دار بهائی در سمنان، به دفعات، مورد حمله آتش‌افروزان قرار گرفت. شاید گویاترین این حوادث مربوط به آقای پیمان شادمان باشد که املاکش با مجموعه‌ای از یورش‌هایی مواجه شد که همه را می‌توان تحت عنوان جنایات نفرت‌انگیز طبقه‌بندی کرد. در ۱۱ فروردین ۱۳۸۸ (۳۱ مارس ۲۰۰۹)، اتومبیل آقای پیمان شادمان در حالی که در جلوی منزل او پارک شده بود، با اسپری رنگی کاملاً از شکل اصلی خود خارج شد در حالی که نشانه‌هایی از شعار نویسی ضد بهائی بر

روی آن به جای مانده بود. چند روز بعد، در ۱۳ فروردین (۲ آوریل)، روی مغازه آقای شادمان نیز با اسپری رنگ پیام‌های ضد بهائی نوشته شد که نسبت به بهائیان ایجاد سوء ظن و نفرت‌انگیزی می‌کرد. در ۲ تیر (۲۳ ژوئن) به سوی مغازه آقای شادمان سنگ پرانی شد.

سپس در ۸ تیر (۲۹ ژوئن)، مهاجمان موتورسوار با موفقیت، مغازه آقای شادمان را به آتش کشیدند که به بخش بزرگی از کالاهای او آسیب رسید. چند هفته بعد، جسد گربه‌ای بر درب مغازه وی آویخته شد و اندکی بعد مغازه او دوباره مورد حمله آتش موتورسواران قرار گرفت.

- محل سکونت آقای یحیی هدایتی و یک مغازه متعلق به آقای اکبر پور حسینی در ۲۷ بهمن ۱۳۸۸ (۱۶ فوریه ۲۰۱۰) مورد حمله آتش‌افروزان قرار گرفت. آقای هدایتی مانند آقای شادمان هدف آزار مکرر قرار گرفته بود. از فروردین تا خرداد ۱۳۸۸ (آوریل و مه ۲۰۰۹)، خرابکاران حداقل نه بار پنجره‌های خانه او را شکستند و آنجا را مورد حمله قرار دادند و در ۱۲ شهریور ۱۳۸۹ (۳ سپتامبر ۲۰۱۰)، یک نوع وسیله آتش‌زا یا مواد منفجره به درون منزلش پرتاب شد.



حملات به گورستان

گورستانی که مورد استفاده بهائیان سمنان و سنگسر، شهری نزدیک به آن، قرار می‌گیرد، در اسفند ۱۳۸۷ (فوریه ۲۰۰۹) مورد حمله آتش‌افروزان و خرابکاران واقع شد. تقریباً ۵۰ سنگ قبر تخریب شد و غسالخانه گورستان به آتش کشیده شد. علاوه بر آن، روی تانکرها و مخازن بزرگی که در گورستان برای نگهداری آب از آنها استفاده می‌شده با اسپری رنگی شعارهای ضد بهائی نوشته شد. این شعارها، «بهائی کافر نجس» را به مرگ تهدید می‌کردند و در میان آنها اشاراتی به «اسرائیل و انگلیس» نیز شده بود.

گورستان بهائیان سمنان پس از ویرانی در اسفند ۱۳۸۷ (فوریه ۲۰۰۹). تقریباً ۵۰ سنگ قبر تخریب و ساختمان غسالخانه به آتش کشیده شد.

که به منظور شنششو و آماده کردن اجساد برای خاکسپاری به کار می‌رفته مسدود کردند و با لودر بر آن خاک ریختند.

حملات به سمنان محدود نمی‌شوند

نه فقط سمنان بلکه در سراسر ایران، آتش‌افروزی، دیوارنویسی و خرابکاری به نحو فزاینده‌ای علیه بهائیان به کار رفته است که به صورت نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در تاریخ ۴ مرداد ۱۳۸۷ (۲۵ ژوئیه ۲۰۰۸) در شهر رفسنجان واقع در استان کرمان، اتومبیل یکی از بهائیان سرشناس این شهر توسط موتورسواران به آتش کشیده و تخریب شد. صاحب اتومبیل و ۱۰ خانواده بهائی دیگر شهر نامه‌هایی تهدیدآمیز از گروهی که خود را «نهضت ضد بهائیت جوانان رفسنجان» می‌خواندند دریافت کردند که از جمله موارد مطرح شده در آن نامه تهدید بهائیان به جهاد (جنگ مقدس) بود.
- در سال ۱۳۸۹ (اواخر سال ۲۰۱۰)، حداقل دوازده مغازه متعلق به بهائیان شهر رفسنجان مورد حمله آتش‌افروزان قرار گرفت. در این حملات که به برخی از اماکن کسب بهائیان رفسنجان خسارت‌های سنگینی وارد کرد، با توزیع یک نامه تهدیدآمیز همراه بود که به منازل و محل کار ۲۰ بهائی فرستاده شده بود. در این سند بدون نام که خطاب به «اعضای فرقه ضاله بهائیت» بود، از بهائیان خواسته شد تعهدی را امضا کنند که از ایجاد «رابطه و دوستی با مسلمان‌ها» و «به‌کارگیری و استخدام شاگردان مسلمان» خودداری کنند. همچنین به بهائیان تاکید شد دین خود را در اینترنت نیز تبلیغ نکنند.

- یک روحانی ساکن قم در ۱۸ دی ۱۳۸۷ (۷ ژانویه ۲۰۰۹) از روستای خَیر در استان کرمان بازدید کرد. وی ضمن ایراد خطبه‌ای با حمله به دیانت بهائی، مردم را تشویق به آتش کشیدن باغ‌های متعلق به بهائیان کرد. روز بعد از سخنرانی، حدود ۱۰ متر از حصار پیرامون باغی متعلق به امامعلی راسخی به آتش کشیده شد. یک هفته بعد تلاش دیگری برای آتش‌افروزی در باغ آقای راسخی انجام شد، اما فقط بخشی از دیوار (که با دیوار باغ مجاور متعلق به یک مسلمان مشترک بود) خسارت دید. پس از رفتن این روحانی، یک روحانی محلی به تشویق مسلمانان به حمله بر بهائیان ادامه داد و اندکی بعد شعارهای ضد بهائی روی دیوارهای اطراف منازل و مغازه‌های برخی از بهائیان روستا ظاهر شد.

در ۲۱ خرداد ۱۳۸۷ (۱۰ ژوئن ۲۰۰۸)، خانواده موسوی، ساکن استان فارس، هنگام به آتش کشیده شدن و تخریب کلیه نزدیک محلی که در آن خوابیده بودند، به سختی جان سالم به در بردند.



- در ۲۱ خرداد ۱۳۸۷ (۱۰ ژوئن ۲۰۰۸)، یک آلاچیق واقع در ملک آقا و خانم موسوی، بهائیان سالمندی که در دهکده تنگ‌ریز استان فارس زندگی می‌کنند، پس از ریختن بنزین، به آتش کشیده و تخریب شد. هنگام انفجار مخزن بنزین که برای افروختن آتش به کار رفته بود، خانم و آقای موسوی، همراه دو پسرشان که در نزدیکی ساختمان خوابیده بودند، به سختی جان سالم به در بردند. خانواده موسوی باور دارند که مجرم هنگام آتش‌افروزی فکر می‌کرده همه آنها در آلاچیق خوابیده‌اند. آقای موسوی علیه فردی که به گمان او عامل آتش‌سوزی بوده، به طور رسمی شکایت کرد، اما دفتر قضائی از پیگیری پرونده سر باز زد زیرا مظنون به کتاب قرآن سوگند خورد که گناهکار نیست. خانواده موسوی به احترام قرآن از شکایت خود صرف‌نظر کردند.
- در ۲۶ خرداد ۱۳۸۷ (۱۵ ژوئیه ۲۰۰۸)، چند کوکتل مولوتف به حیاط جلویی خانه خسرو دهقانی و همسرش، دکتر هما آگاهی، واقع در ویلا شهر پرتاب شد. این واقعه درست چند ماه بعد از آن رخ داد که دکتر آگاهی پس از تهدیدهایی از سوی افراد ناشناس مربوط به بهائی بودنش، مجبور به تعطیل کردن مطب خود در نزدیکی نجف‌آباد شد. وی به مدت ۲۸ سال در آن محل به طبابت مشغول بود.
- در ۲۹ خرداد ۱۳۸۷ (۱۸ ژوئیه ۲۰۰۸)، درست چند هفته پس از شعله‌ور شدن اتومبیل خانواده شاکر در کرمان، منزلشان نیز به آتش کشیده شد و از بین رفت. این رویدادها پس از مجموعه‌ای از تلفن‌های تهدیدآمیز رخ داد.

۵ دانش‌آموزان مدرسه و دانشجویان

از نیمه دوم دی ماه تا نیمه اول بهمن ماه ۱۳۸۵ (نیمه ژانویه تا نیمه فوریه ۲۰۰۷)، طی یک دوره ۳۰ روزه، حدود ۱۵۰ حادثه که شامل: توهین، بدرفتاری و حتی خشونت‌های جسمی از سوی مسئولین مدارس علیه دانش‌آموزان بهائی می‌شد در حداقل ۱۰ شهر ایران گزارش شده است. چنین رویدادهایی گاه به گاه به صورت پراکنده در سراسر کشور ادامه دارد.

کودکان بهائی سمنان نیز از این حملات مصون نبوده‌اند. در سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ (۲۰۰۸ و ۲۰۰۹)، رویدادهای زیر گزارش شده است:

- در بیش از دو مورد، روحانیون مسلمان به کلاس‌های درس سمنان دعوت شدند تا سخنرانی‌هایی در توهین به دیانت بهائی ایراد کنند. این واقعه در سطوح مختلف آموزشی رخ داده است.
- مسئولین مدارس در حداقل دو مورد از ثبت‌نام کودکان بهائی در مدرسه سر باز زده‌اند.
- دانش‌آموزان مسلمان توسط معلمان خود یا دیگر مقامات مدرسه تشویق شده‌اند به دانش‌آموزان بهائی آسیب جسمانی وارد آورند.
- مسئولین مدرسه باهدف جداسازی دانش‌آموزان بهائی از دیگران، آنان را وادار کرده‌اند در محلی جداگانه بنشینند.

در حالی که به دست آوردن جزئیات دقیق آنچه در کلاس‌های درس در شهر سمنان گذشته دشوار است، اما حملات به کودکان مدرسه‌ای بهائی در مکان‌های دیگر، نمایانگر تلاشی آشکار به منظور تحت فشار قرار دادن دانش‌آموزان برای تغییر دینشان به اسلام بوده است.

آن‌ها وادار به نشستن و گوش دادن به تهمت‌های ناروایی شده‌اند که معلم‌های دینی به اعتقاداتشان وارد می‌آورند و همچنین مجبور به یادگیری و امتحان در متون مصوب و رسمی درس‌هایی درباره «تاریخ ایران» شده‌اند که بی‌شمارانه تاریخ دیانت بهائی را دست کاری و مورد تحریف قرار داده است و سعی در بدنامی و لکه‌دار کردن آن نموده است.

در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۷ (۱۸ مه ۲۰۰۸)، در آخرین روز سال تحصیلی در شهر شیراز، به هر یک از کودکان دبستانی پاکتی سر بسته به عنوان «هدیه» از یک شرکت انتشاراتی داده شد. این پاکت حاوی یک کتابچه رنگی ۱۲ صفحه‌ای برای کودکان بود که نسخه‌ای پراش‌تابه و گمراه‌کننده از داستان زندگی حضرت باب، بشارت دهنده دیانت بهائی را به شیوه‌ای تمسخرآمیز و تحقیر کننده عرضه می‌کرد.

این حملات، آشکارا از طرح ارائه شده در یادداشت مسئله بهائیان که در سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۱) صادر شد، پیروی می‌کنند. در آن سند، تحت عنوان «جایگاه فرهنگی»، عنوان می‌شود که بهائیان «چنانچه اظهار نکردند بهائی هستند» می‌توانند در مدارس ثبت‌نام شوند. علاوه بر آن، در سند آمده است که تا حد امکان، بهائیان، «در مدارس که کادر قوی و مسلط بر مسائل عقیدتی دارند ثبت‌نام شوند». در یادداشت مسئله بهائیان همچنین نوشته شده که دانشجویان بهائی، «چه در ورود و چه در حین تحصیل چنانچه احراز شد بهائی هستند» باید از دانشگاه‌ها اخراج شوند.

در سطح ملی نیز، تلاش برای محروم کردن دانشجویان بهائی از دسترسی به آموزش مشکلی دائمی بوده است. کمی پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹)، تعداد زیادی از جوانان و کودکان بهائی از مدرسه [و دانشگاه] اخراج شدند. این اخراج‌ها به شکل سیستماتیک نبوده و عمدتاً بر آنهایی که آشکارا به عنوان بهائی شناخته می‌شدند متمرکز بوده است؛ اما دامنه اخراج بهائیان در تمام نظام آموزشی، از سطح ابتدایی تا دبیرستان و دانشگاه گسترده بوده و در مورد آخر محرومیت تقریباً همه را در بر گرفته است.

در آخرین سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ (دهه ۱۹۹۰) تا حدودی در پاسخ به فشارهای بین‌المللی، کودکان در دوران ابتدایی و راهنمایی اجازه ثبت‌نام دوباره یافتند. با این حال، حکومت تا سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴)، ممنوعیت جوانان بهائی را از ورود به دانشکده‌ها و دانشگاه‌های عمومی و خصوصی حفظ کرد.

تا آن زمان، حکومت روش ساده‌ای را برای منع بهائیان از آموزش عالی به کار می‌برد: از همه کسانی که در کنکور سراسری برای ورود به دانشگاه شرکت می‌کردند تا دین خود را اعلام کنند؛ و داوطلبانی که به مذهبی جز یکی از چهار دین رسمی شناخته شده در ایران - اسلام، مسیحیت، یهودیت و زرتشتی - اشاره می‌کردند، از ورود به دانشگاه محروم می‌شدند.

در نیمه دوم سال ۱۳۸۲ (اواخر ۲۰۰۳)، حکومت اعلام کرد که ستون مذهب را از فرم ثبت‌نام کنکور سراسری حذف خواهد کرد. جوانان بهائی در آن زمان باور داشتند که این تغییر راه آنان را برای شرکت در آزمون سراسری و ثبت‌نام در دانشگاه برای سال تحصیلی ۱۳۸۳-۱۳۸۴ (۲۰۰۴-۲۰۰۵) هموار خواهد ساخت.

با این حال از آن زمان، حکومت، هر سال برای جلوگیری از ثبت‌نام تعداد زیادی از بهائیان در دانشگاه، به انواع دسپسه‌ها متوسل شده است. گستره این تمهیدات از اخراج ساده بهائیان پس از ثبت‌نام تا این تدبیر و ادعای تازه که آنها به دلیل «نقص پرونده» از ثبت‌نام محرومند را در برمی‌گیرد.

در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶)، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران، نامه محرمانه‌ای به ۸۱ دانشگاه در ایران - از جمله دانشگاه سمنان - فرستاد و به آنها دستور داد دانشجویانی را که به عنوان بهائی شناسایی می‌شوند اخراج کنند. [نگاه کنید به صفحه ۳۳]. در طی سال‌ها، ده‌ها اگر نه صدها دانشجوی بهائی اخراج شده‌اند.



دانشجویان بهائی سمنان با مصائب مشابهی روبرو شده‌اند. برای مثال فردی در آذر ۱۳۸۷ (دسامبر ۲۰۰۸) از مؤسسه آموزش عالی فضیلت اخراج شد. در اسفند ۱۳۸۷ (مارس سال ۲۰۰۹)، یک دانشجوی بهائی که در رشته مطالعات اقتصاد درس

نسخه‌ای از کارت دانشجویی مینو شهریاری که در ۱۱ اسفند ۱۳۸۷ (۱) مارس ۲۰۰۹) به دلیل بهائی بودن از دانشگاه سمنان اخراج شد. (منبع: Iran Press Watch / دیده‌بان مطبوعات ایران)

می‌خواند از دانشگاه سمنان اخراج گردید. در همان سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸ نیز سه بهائی دیگر یک هفته پس از شروع ترم به دستور دفتر حراست دانشگاه اخراج شدند و دفتر حراست دانشگاه در پاسخ به اعتراض اخراج این سه بهائی اعلام کرد که دانشگاه این دستور را از «یک مقام بالاتر» دریافت کرده است.

۶ حملات اقتصادی

از زمان انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) تلاش‌هایی جهت نابود ساختن وضع معیشتی جامعه بهائی، یکی از اشکال اذیت و آزار حکومتی بوده است. در سال‌های آغازین انقلاب، حکومت شروع به اخراج دسته‌جمعی بهائیان کرد که کارمند دولت بودند و سپس تا آنجا پیش رفت که به صورت سیستماتیک پروانه‌های کسب بهائیان در بخش خصوصی را نیز لغو کرد. بدین شکل هزاران بهائی، مشاغل و منابع درآمد خود را طی ۳۰ سال گذشته از دست داده‌اند.

پس از آن، در آخرین سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ (دهه ۱۹۹۰)، یک دوران امنیت نسبی به وجود آمد و فشارهای وارده از سوی حکومت کمتر شد.

با این حال اخیراً فشارهای اقتصادی افزایش یافته و وضعیت شهر سمنان به عنوان یک نمونه موردی، نشان می‌دهد چگونه مقامات دولتی برای از هستی ساقط کردن بهائیان تلاش می‌کنند.

یکی از موارد اخیر نشان می‌دهد مسئولین برای از بین بردن لوازم معیشت بهائیان سمنان حاضرند تا چه حدی پیش بروند. در ۸ خرداد ۱۳۹۱ (۲۸ مه ۲۰۱۲)، مأموران وزارت اطلاعات به دو کارخانه که صاحب تمام یا بخشی از آنها بهائی بودند، یورش بردند و آنها را تعطیل کردند. یکی از این کارخانه‌ها که به تولید پارچه مشغول بود، ۵۱ کارمند داشت که ۳۶ تن از آنها بهائی نبودند. مورد دیگر، یک کارخانه تراش عدسی [لنز عینک] بود که دو بهائی و شش تن دیگر را در استخدام خود داشت. وجود چنین مواردی نشان می‌دهد که مقامات در تلاش مداوم برای سرکوب اقتصادی بهائیان، حاضرند کارگران دیگر - حتی مسلمانان شیعه - را نیز با دشواری اقتصادی روبرو سازند.

حداقل ۲۷ مورد از فعالیت‌های تجاری بهائیان، شامل کارخانه‌ها، مغازه‌ها، کارگاه‌ها و دفاتر، توسط مقامات تعطیل شده‌اند و بیش از ۱۱۰ خانواده بهائی را بدون منبع درآمد باقی گذاشته‌اند.

یورش به اماکن کسب‌وکار جامعه بهائی سمنان در دی ۱۳۸۷ (اواخر سال ۲۰۰۹) زمانی آغاز شد که اتاق بازرگانی سمنان، همراه با ۳۹ اتحادیه تجاری عضو، تصمیم گرفتند صدور پروانه‌های کسب و جواز مدیریتی و تمدید پروانه‌های موجود برای بهائیان را متوقف سازند.

این تصمیم، به لغو و توقیف پروانه‌ها و جوازهای کسب بهائیان در سراسر شهر انجامید. علاوه بر آن، مقامات بارها درب مغازه‌های بهائیان در شهر را پلمپ کردند که نشانه تعطیلی رسمی مغازه‌ها بوده است.

تا زمان نوشتن این متن، حداقل ۲۷ فعالیت تجاری بهائیان، شامل کارخانه‌ها، مغازه‌ها، کارگاه‌ها و دفاتر، توسط مقامات تعطیل شده و بیش از ۱۱۰ خانواده بهائی بدون منبع درآمد باقی‌مانده‌اند.

از جمله افرادی که محل کارش به این طریق تعطیل شد، شمیل پیراسته است. در ۲۰ اسفند ۱۳۸۷ (۱۰ مارس ۲۰۰۹) پروانه کسب خانم پیراسته بدون ارائه هیچ توضیحی لغو شد. هنگامی که از مقامات درباره لغو پروانه سؤال شد، پاسخ این بود که دستور از «مقامات بالاتر» آمده است.

همچنین در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۷ (۲۰۰۹) جواز کسب پیمان رحمانیان لغو و مغازه گل فروشی او تعطیل شد. پدر وی به عنوان صاحب مغازه حدود ۲۰ سال با موفقیت آن را اداره کرده بود.

گزارش‌ها حاکی از آن است که این تلاش‌ها بر اثر فشارهای است که رئیس بسیج اصناف بر این سازمان‌ها وارد آورده بود.

بانک‌ها نیز به تازگی از پرداختن وام به بهائیان خودداری می‌کنند، با اینکه آنان حائز شرایط دریافت چنین حمایت مالی هستند. آقای بهفر خانجانی، شوهر شمیل پیراسته، بارها از دریافت وام برای پرداخت بدهی‌های خود و همسرش محروم شد. به حداقل پنج بهائی دیگر سمنانی نیز وام پرداخت نشد. لباس‌فروشی آقای خانجانی تعطیل شد و او در تیر ۱۳۹۰ (ژوئن ۲۰۱۱) برای آغاز دوران محکومیت چهار ساله خود راهی زندان شد.



فروشگاه لباس شمیل پیراسته توسط مقامات محلی تعطیل شد. در اینجا اعلان رسمی نصب شده بر درب ورودی که حاکی از تعطیلی مغازه است نشان داده می‌شود.

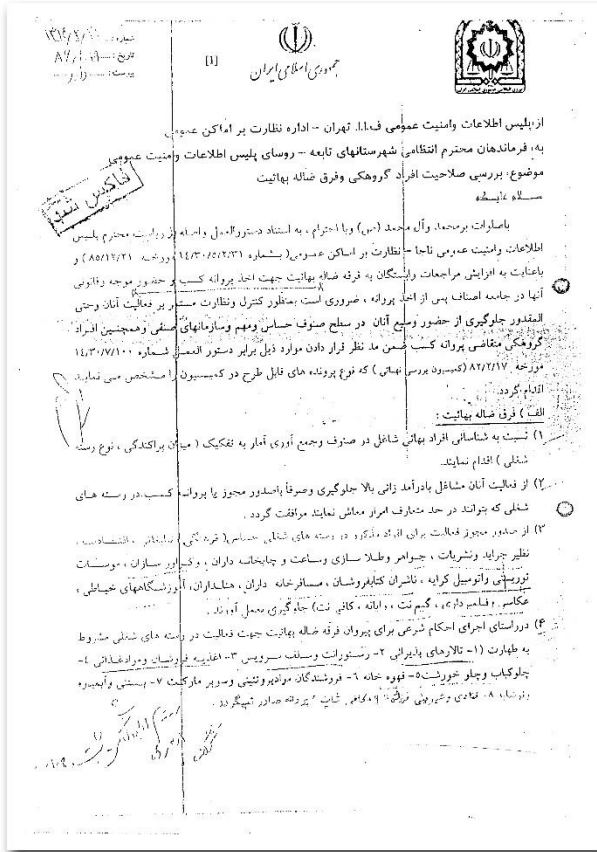
اخیراً تعدادی از بهائیان سمنان از واردات کالا از استان‌های دیگر به این استان به منظور تجارت و فروش منع شده‌اند و این امر توانایی آنان را برای کسب هر گونه درآمدی به طور جدی محدود کرده و یا از بین برده است. افرادی که توانسته‌اند هنوز کسب‌وکار خود را حفظ کنند، بنا به گزارش‌ها تحت نظارت هستند و هر چند گاهی از طریق تماس‌های تلفنی از آنها خواسته می‌شود به مقامات گزارش دهند و

زمانی که به این درخواست عمل می‌کنند، با این پاسخ روبرو می‌شوند که تماس تلفنی از طرف آن اداره نبوده است. در موارد دیگر، آنان به دلیل بستن مغازه‌های خود در تعطیلات دینی بهائی، متهم به تضعیف حکومت می‌شوند. به آنها گفته می‌شود با تعطیلی مغازه‌هایشان در نظم عمومی اخلال ایجاد می‌کنند و از این رو مقامات آنها را به پلمپ کردن محل کسب‌وکارشان تهدید می‌کنند.

مقامات همچنین به آزار کشاورزان بهائی منطقه پرداخته‌اند. برای مثال دستور تخریب زمینی صادر شد که کشاورزان بهائی با مجوز قانونی برای استفاده شخصی خریداری کرده بودند. در یک مورد، دستور نابودی گله حیوانات این مزارع که ۱۷ سال قبل توسط یک کشاورز بهائی خریداری شده بود، صادر شد. در موردی دیگر، چاه‌های آب موجود در مزارع بهائیان که دارای مجوز قانونی بودند، به وسیله مقامات بسته و پلمپ شدند.

در شهر سمنان به منظور تحت فشار قرار دادن معیشت بهائیان، مردم را تشویق به تحریم کسب‌وکار آنان می‌کنند. در مورد مشاغل دیگر مانند معماران نیز این اخطار داده شده است که در کار ساختمان‌سازی با بهائیان معامله نکنند و پیشنهادها و قراردادهای تجاری با آنها را نپذیرند.

همه این اقدامات در راستای سیاستی است که در یادداشت مسئله بهائیان مطرح شده است. این اقدامات در شهرهای کوچک و بزرگ سراسر ایران نیز به اجرا درآمده است.



تلاش برای ایجاد خفقان اقتصادی که سیاست رسمی و مداوم حکومت است، با افشای نامه محرمانه‌ای به تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۸۶ (۹ آوریل ۲۰۰۷) از سوی اداره نظارت بر اماکن عمومی در پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در استان تهران، به اثبات می‌رسد. در نامه مزبور که خطاب به فرماندهان نیروی انتظامی و رؤسای پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در منطقه نوشته شده بود، دستورالعمل‌هایی وجود دارد که به موجب آن باید اعضای «فرقه ضالّه بهائیت» از شرکت در طیف گسترده‌ای از کسب‌وکارها منع شوند. از جمله این موارد «مشاغل با درآمدزایی بالا»، رسته‌های «شغلی حساس» مانند روزنامه‌نگاری، کنده‌کاری، مؤسسات خدمات توریستی و کرایه اتومبیل، چاپ و نشر، مدیریت مسافرخانه و هتل، عکاسی و فیلم‌برداری، فروش کامپیوتر، کافه‌های اینترنتی و کسب‌وکار مواد غذایی است که ممکن است مفهوم «طهارت» در عرف شیعه را نقض کند.

رونوشتی از نامه ۱۹ فروردین ۱۳۸۶ (۹ آوریل ۲۰۰۷) اداره نظارت بر اماکن عمومی در پلیس اطلاعات و امنیت عمومی استان تهران که به فرماندهان انتظامی منطقه‌ای و رؤسای پلیس اطلاعات و امنیت عمومی نوشته شده بود. نامه به مخاطبان دستور می‌دهد که از فعالیت اعضای «فرقه ضالّه بهائیت» در گستره وسیعی از مشاغل جلوگیری کنند.

۷ برانگیختن نفرت

تلاش برای برانگیختن نفرت مردم محلی نسبت به بهائیان، محور اصلی کمپینی بوده که در سمنان به اجرا در آمده است. همان‌طور که افزایش حملات به بهائیان و اموال و املاک آنان در چند سال اخیر نشان می‌دهد، این کمپین ظاهراً مؤثر بوده است. سمینارهای ضد بهائی، توزیع جزوات رديه ضد بهائی و پخش سخنرانی‌هایی علیه بهائیان در خطبه‌های نماز جمعه در مساجد سمنان، همه به قصد ایجاد یک فضای سوء ظن و دشمنی انجام گرفته تا مقامات محلی آزاد باشند با مصونیت کامل علیه بهائیان عمل کنند و شهروندان محلی مایل باشند شخصاً دست به اقدام زنند.

می‌توان گفت کمپین سمنان با مجموعه‌ای از سمینارها و همایش‌های ضد بهائی در اواخر سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸) شروع شد. بسیاری از این موارد توسط رسانه‌های خبری ایران که شرح اصلی این فعالیت‌ها را ارائه می‌دهند، گزارش شده‌اند.

برای مثال در ۶ آذر ۱۳۸۷ (۲۵ نوامبر ۲۰۰۸)، خبرگزاری رسا ضمن انتشار مقاله‌ای اظهار داشت که مهناز رئوفی، نویسنده یک کتاب ضد بهائی به نام سایه شوم، در سمنان نطقی ایراد کرده است. در این سخنرانی که در تالار جمعیت هلال احمر سمنان انجام گرفت، قصد بر آن بود که رابطه میان دیانت بهائی و صهیونیسم بررسی شود. طبق این گزارش، برنامه با دو فیلم کوتاه آغاز شد که هدفشان نشان دادن فعالیت‌ها و اهداف «فرقه ضاله بهائیت» عنوان شد.

خانم رئوفی ادعا می‌کند قبلاً بهائی بوده و بعد به اسلام گرویده است. در سال‌های اخیر، او به شهرهای مختلف ایران سفر کرده و برای گروه‌های مختلفی از جمله در مدارس، سازمان‌های جوانان و عموم مردم سخنرانی‌های ضد بهائی ایراد کرده است. پیش از سفرهای او، کیهان، روزنامه نیمه‌رسمی رهبر ایران، مجموعه مقالاتی به چاپ رساند که ادعا می‌شود «خاطرات» خانم رئوفی هستند. خانم رئوفی همچنین چندین کتاب منتشر کرده، یک سلسله مصاحبه‌های رادیویی انجام داده و چندین وب سایت راه‌اندازی کرده که تمرکز آنها بر کتاب‌ها و مصاحبه‌های اوست.

خبر دیگری حاکی از آن است که خانم رئوفی در آذر ۱۳۸۸ (اوایل دسامبر ۲۰۰۹) بار دیگر در سمنان درباره موضوعات مشابهی سخنرانی داشته است. پیرو این رویداد، در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۸۸ (۱۵ دسامبر ۲۰۰۹)، مأموران وزارت اطلاعات به ۲۰ خانه متعلق به بهائیان یورش بردند.

سنا | درباره ما | ارتباط با ما | آرشيو | جستجو | بيوته‌ها

شنبه 9 مهر 1390 20:50

مکن کامل بیانات رهبر انقلاب در جمع پر شور مردم قم

فتنه 88 کشور را در برابر میکروب‌های سیاسی و اکسینه کرد

رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از استقبال با شکوه مردمی و وزارت حضرت مصومه (س) در اجتماع عظیم مردم در میدان آستانه شهر قم حضور یافتند و به ایراد احساسات گرم و صمیمانه آنان پاسخ گفتند.

حضرت آیت الله خامنه ای در این دیدار، ضربه زدن به «دین» و «وفاداری مردم» را دو هدف اصلی زورگویان جهانی دانستند و خاطرنشان کردند: اگر عصر دین نبود، ممکن بود مسئولان انقلاب با گرفتن برخی امتیازات، در مقابل دشمن کوتاه بیایند اما دین اسلام اجازه تسلیم در برابر ظلم را نمی دهد و عدالت و آزادی و معنویت و پیشرفت را به همراه می آورد. به همین علت، مسئولان نظام تاکنون در مقابل استکبار کوتاه نیامده اند و از این به بعد نیز، به برکت دین، به مقابله با دشمنان اسلام و انقلاب ادامه خواهند داد.

رهبر انقلاب اسلامی، منزلت کردن وفاداری مردم به نظام اسلامی را دومین هدف توطئه های دشمنان برشمردند و افزودند: علاوه بر عصر دین، حضور و حمایت مستحکم مردم، پشتوانه ایستادگی مسئولان نظام اسلام است و دشمن نیز به همین علت، وفاداری مردم را نشانه رفته است.

حضرت آیت الله خامنه ای، شایعه پراکنی برای مأیوس کردن مردم، ایجاد بدبینی نسبت به مسئولان به ویژه رؤسای قوا، بزرگمایی ضعیفهای کشور، و نادیده گرفتن پیشرفت‌ها و اقدامات انجام شده را از جمله روش‌های مخالفان نظام اسلامی برای ضربه زدن به اعتماد و وفاداری مردم دانستند.

رهبر انقلاب اسلامی، عکس العمل سرشار از بصیرت و سریع مردم در مقابل فتنه عاشورای سال گذشته را نمونه ای از ناکامیهای مستمر توطئه گران خواندند و خاطرنشان کردند: این واقعات نشان می دهد که احساسات دینی مردم و معرفت و وفاداری آنان روز به روز عمیق تر شده است.

طرح برانگیختن نفرت علیه بهائیان از بالاترین سطح حکومتی سرچشمه می‌گیرد. برای مثال در مهر ۱۳۸۹ (اکتبر ۲۰۱۰)، رهبر ایران، آیت الله علی خامنه‌ای، طی یک سخنرانی که در قم ایراد کرد بهائیان را دشمنان جمهوری اسلامی ایران معرفی کرد.

در اسفند ماه ۱۳۸۷ (فوریه ۲۰۰۹)، تعداد بیشتری سخنرانی و سمینارهای ضد بهائی در شهر برگزار شد. خانم رئوفی دوباره در یک گردهمایی بزرگ خطاب به مردم گفت که «فرقه بهائیت» از اسلام و ایام مذهبی آن متنفر است و با مضحکه ساختن آن علیه بشریت تبلیغ می‌کند. مقاله گزارش می‌دهد که خانم رئوفی همچنین گفته است این «فرقه ضالّه» از نظر مالی تحت حمایت کشورهای غربی، از جمله آمریکا، قرار دارد و با ظاهر فریبنده و در پوشش یک دین مهرآمیز، نفرت خود را از اسلام پنهان می‌کند.

در ۲ اسفند ۱۳۸۷ (۲۰ فوریه ۲۰۰۹)، خبرگزاری فارس مقاله‌ای تحت عنوان «بهائیت در دامن صهیونیسم متولد شده است» منتشر کرد. در این مقاله به نقل از امام جمعه سمنان آمده است که «بهائیت» محصول صهیونیسم است و برای مبارزه با اسلام پدید آمده است.

در مقاله‌ای از زبان حجت الاسلام سید محمد شاهچراغی تاکید شده است که «بر هر مسلمانی واجب است تا هیچ گونه معامله‌ای با پیروان این فرقه نداشته باشند و از وصلت با این افراد به صورت غیرقانونی و غیررسمی بپرهیزند» زیرا هدف آنها «ضدیت با اسلام بوده» است. بنا به گزارش‌ها، او همچنین گفته است که اگر مردم ایران اراده کنند، همان‌گونه که رژیم پهلوی را سرنگون کردند، می‌توانند ریشه «بهائیت» را نیز در ایران بخشکانند.

این گونه پلید نمایی بهائیان در ایران تاریخچه‌ای طولانی دارد. بیش از ۱۵۰ سال است، بر فراز منابر، از طریق مطبوعات و اخیراً با استفاده از رادیو و تلویزیون و حتی انتشارات تحقیقاتی و دانشگاهی، تصاویر دروغینی از بهائیان ارائه شده است؛ اما این کمپین رسانه‌ای که در سال‌های اخیر شدت گرفته، ظاهراً بخشی از تلاشی سراسری و همه جانبه است که به منظور افزایش دشمنی عمومی علیه بهائیان طرح‌ریزی شده است.



برای مثال از سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۵)، روزنامه نیمه‌رسمی کیهان بیش از ۲۰۰ مقاله دروغین، گمراه کننده و نفاق برانگیز درباره تعالیم، تاریخ و فعالیت‌های بهائی - از جمله خاطرات خانم رئوفی - منتشر کرده است. مقالات کیهان به تحریف عمدی تاریخ می‌پردازند، از اسناد تاریخی جعلی استفاده می‌کنند و به دروغ اصول اخلاقی بهائی را به گونه‌ای توصیف می‌کنند که برای مسلمانان اهانت‌آمیز باشد. این تلاش‌ها در رادیو و تلویزیون نیز منعکس شده است.

خانه‌ای در سمنان که بر آن با افشانه این عبارات اهانت‌آمیز نوشته شده است: «مرگ بر بهائی کافر» و «مرگ بر آمریکا و انگلیس».

در مثالی دیگر، به تاریخ ۵ آبان ۱۳۸۴ (۲۷ اکتبر ۲۰۰۵) مقاله‌ای با عنوان «شناخت ریشه‌های بهائیت»، با وارد آوردن این اتهام کهنه و دروغین که دیانت بابتی و بهائی ساخته نیروهای استعماری هستند، می‌کوشد احساسات عمومی را تحریک کند. در مقاله آمده بود: «بابت و بهائیت [صرفاً] عقایدی مبهم و از جمله فرقه‌های دینی هستند که برای به فساد کشیدن اندیشه‌های شریف و پاک اسلامی، توسط استعمارگران به وجود آمدند...».

کمپین رسانه‌ای علیه بهائیان به اینترنت نیز کشیده شده است. برای مثال در ۶ خرداد ۱۳۸۷ (۲۶ مه ۲۰۰۸) کیهان گزارش داد یک تار نمای اینترنتی تازه که به «مبارزه با بهائیت» اختصاص یافته، به زودی توسط «سازمانی مردمی» راه‌اندازی خواهد شد. در مقاله از مرحوم آیت الله خمینی نقل می‌شود که او وظیفه خود می‌دانست به ایران و همه مسلمانان جهان اخطار دهد تا کشور را از کنترل صهیونیسم که در ایران در قالب «فرقه بهائیت» پدیدار شده، آزاد سازند.

در آذر ۱۳۸۷ (دسامبر ۲۰۰۸)، رادیوی دولتی معارف، یک برنامه هفتگی نیم‌ساعته جدید، تحت عنوان «سراب» را آغاز کرد. این برنامه که به شکل بحث میزگرد اداره می‌شد، هدفش اطلاع‌رسانی به عموم مردم، با تمرکز ویژه بر جوانان درباره «واقعیت» آئین بهائی بود. استفاده از اینترنت برای انتشار حملات به این دیانت روز به روز افزایش می‌یابد.

اخیراً مقالات، جزوات، پوسترها و نمایشگاه‌های متعددی وجود دارند که به دیانت بهائی و تاریخ آن تهمت و افتراء وارد می‌آورند. همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، در مهر ۱۳۹۰ (اکتبر ۲۰۱۱)، جامعه جهانی بهائی گزارشی تحت عنوان *برانگیختن نفرت: کمپین رسانه‌ای ایران برای تولید جلوه دادن بهائیان* درباره این کمپین صادر کرد. این گزارش نمونه‌ای از تبلیغات رسمی و نیم‌رسمی ضد بهائی، منتشر شده طی یک دوره ۱۶ ماهه از آذر ۱۳۸۸ (اواخر ۲۰۰۹) تا اردیبهشت ۱۳۹۰ (اوایل مه ۲۰۱۱) را ارائه کرد و بیش از ۴۰۰ مقاله، برنامه رادیو تلویزیونی یا صفحات اینترنتی را که در آنها به دروغ، بهائیان به عنوان منشأ همه بدی‌های ممکن تصویر می‌شوند، مستند ساخت. آن‌طور که در گزارش اشاره شد:

حجم، شدت، تندی و خشونت این تبلیغات و وسعت و پیچیدگی آنها ترسناک و تکان دهنده است. هدف این برنامه تبلیغاتی که با سوء نیت تنظیم شده، این است که دشمنی مردم را علیه یک جامعه دینی صلح‌جو که اعضایش برای رفاه جامعه پیرامون خود می‌کوشند، برانگیزد.

به آنان تهمت می‌زنند که عاملان گروه‌های مختلف امپریالیستی و یا استعماری هستند. دائماً مورد تهمت‌های کاملاً بی‌اساس فساد اخلاقی هستند و آنها را به عنوان مطرودان اجتماعی که باید از آنها دوری جست معرفی می‌کنند. حجم، شدت، تندی و خشونت این تبلیغات و وسعت و پیچیدگی آنها ترسناک و تکان دهنده است. هدف این برنامه تبلیغاتی که با سوء نیت تنظیم شده، این است که دشمنی مردم را علیه یک جامعه دینی صلح‌جو که اعضایش برای رفاه جامعه پیرامون خود می‌کوشند، برانگیزد.

تعدادی از مقالات یا برنامه‌های پخش‌شده‌ای که در تحقیق ۱۳۹۰-۱۳۸۹ (۲۰۱۱-۲۰۱۰) از آنان نام برده شد، از سمنان سرچشمه گرفته بود یا به این شهر اشاره داشت، از جمله:

- گزارشی به تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ (۲۹ آوریل ۲۰۱۰) از خبرگزاری فارس، یک سرویس وابسته به حکومت که از یک کارشناس آموزش و پژوهش در دفتر تبلیغات اسلامی استان سمنان به نام آقای عبداللہیان نقل کرد: «ما پس از تحقیق و مطالعه انقلاب فرهنگی ایران طی سه قرن اخیر نتیجه می‌گیریم شکل‌گیری فرقه‌هایی مانند وهابیت و بهائیت محصول استعمار روس و انگلیس بوده‌اند». در گزارش آمده که آقای عبداللہیان درباره اهمیت افزایش آگاهی مردم، به ویژه جوانان، تقویت رابطه بین مردم و روحانیون و اسلامی کردن آموزش در مدرسه و دانشگاه، سخن گفته و از آنها به عنوان راهکارهایی برای رویارویی با تلاش‌های دشمن در جهت ایجاد تفرقه و استثمار ملت ایران یاد کرده است.

- گزارشی از خبرگزاری فارس به تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۹ (۱۸ مه ۲۰۱۰) که در آن به نقل از حجت الاسلام ولی الله مصباحی، رئیس سازمان توسعه اسلامی در شهر گرمسار، در نزدیکی شهر سمنان، به جوانان مسلمان اخطار داده شده بود که با بهائیان یا دیگر «فرقه‌های دینی» مانند وهابیت ارتباط حاصل نکنند. به گفته او این دو فرقه توسط «استکبار بین‌المللی رژیم صهیونیستی» و آمریکا و بریتانیا به وجود آمده‌اند و از نظر مالی حمایت می‌شوند. آقای مصباحی این‌طور ادامه داد که در تاریخ معاصر ایران، بهائیت نقشی بسیار منفی و مخرب داشته است. او گفت این گروه سیاسی که تظاهر می‌کند یک فرقه دینی است، کاملاً به منافع دشمنان خدمت کرده است.

- در ۲۴ بهمن ۱۳۸۹ (۱۳ فوریه ۲۰۱۱)، خبرگزاری کانون دانش‌آموزی (پانا)، یک تار نمای وابسته به حکومت برای دانش‌آموزان، مصاحبه‌ای با نماینده ولی فقیه در استان سمنان منتشر کرد. وی در این مصاحبه تأکید کرد دانش‌آموزان باید از

همکاری با فرقه‌های نوظهور و آئین بهائی به پرهیزند. او همچنین گفت هدف دشمن در جنگ نرم ایجاد شکاف بین دانش‌آموزان و روحانیون است. نماینده رهبری افزود: قصد دشمنان جدا کردن دانش‌آموزان از تحصیلاتشان، خانواده‌هایشان و رهبر انقلاب است. باید آنان را از موفقیت در عملی کردن نقشه‌های شومشان بازداشت. دشمنان اسلام، نظام آموزشی و به ویژه دانش‌آموزان را هدف قرار داده‌اند.

۸ آزادی دینی

معدود اسناد رسمی که از سمنان به دست آمده - مانند احکام دادگاه علیه بهائیان دستگیر شده - به وضوح نشان می‌دهد تنها «جرمی» که بهائیان به آن متهم هستند، اعتقاد آنان به دینشان و عمل مطابق آن است.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، صهبا رضوانی در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۸۸ (۱۵ دسامبر ۲۰۰۹) پس از یورش به خانه‌اش که همزمان با حمله به منازل ۱۹ بهائی دیگر صورت گرفت، دستگیر و سپس به سه سال زندان محکوم شد.

بر اساس اسناد دادگاه، خانم رضوانی به ارتکاب دو «جرم» متهم شده بود: «تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران» و «تشکیل یک گروه غیرقانونی».

اتهام اول او با توجه به اسناد دادگاه، «تبلیغ علیه نظام اسلامی از طریق تشکیل دوره‌ها و کلاس‌ها و توزیع سی دی‌های آموزشی و مشارکت در تبلیغ فردی به نفع فرقه ضالّه بهائیت» بود.

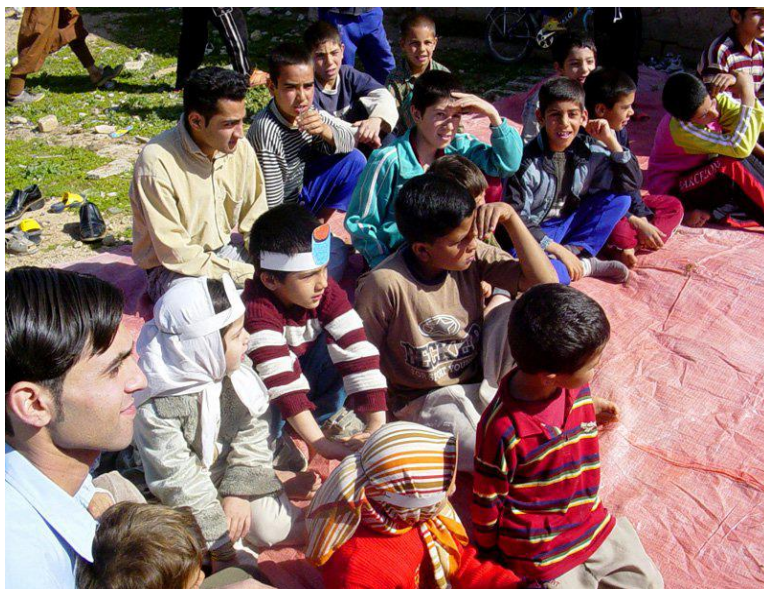
اتهام دوم به عضویت وی در یک گروه موقتی اشاره دارد که برای خدمت و برآوردن نیازهای اداری جامعه بهائی سمنان طراحی شده بود. چنین گروه‌هایی پس از انحلال تشکیلات انتخابی بهائی در پاسخ به یک فرمان حکومتی در سال ۱۳۶۲ (۱۹۸۳)، در سطح محلی تشکیل شدند. این هیئت‌های موقتی سال‌ها با اطلاع کامل حکومت وجود داشتند، اما در سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) در رابطه با زندانی بودن هفت رهبر جامعه بهائیان ایران، به عنوان پذیرش خواسته دولت منحل شدند.

بدون شک، اتهامات حکومت غیرقانونی و دروغین هستند.

ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، معاهده‌ای بین‌المللی که ایران آن را امضا کرده است، آشکارا از آزادی دین و عقیده دفاع می‌کند:

«هر کس حق آزادی فکر، وجدان و دین دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک دین یا عقیده به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز دین یا عقیده خود، خواه به طور فردی یا جمعی، خواه به طور علنی یا در خفا در عبادت و اجرای آداب و اعمال و تبلیغ است.»

«هیچ کس نباید تحت فشار قرار گیرد و از این طریق به آزادی او در داشتن یا قبول یک دین یا عقیده مورد انتخاب خود لطمه وارد آید.»



برای بهائیان، آزادی انجام فرائض دینی، کمک به دیگران را نیز در برمی‌گیرد. در اردیبهشت ۱۳۸۵ (مه ۲۰۰۶)، ۵۴ جوان بهائی به خاطر ارائه کلاس‌هایی در زمینه مهارت‌های زبانی و اصول اخلاقی ساده و بنیادی به کودکان فقیر و محروم در شهر شیراز و اطراف آن دستگیر شدند. در سمت چپ یکی از چنین کلاس‌هایی که در شهرک کتس بس در حاشیه شهر شیراز برگزار شده بود، دیده می‌شود.

این مدعا که بهائیان با «تبلیغ» دین خود جرمی مرتکب شده‌اند، آشکارا با این میثاق مغایرت دارد .

این ادعا تا تشکیک و دیرباوری نیز کشیده می‌شود تا جایی که بهائیان به خاطر «تبلیغ غیرمستقیم» - که صرفاً با نیت خدمت به هم میهنانشان است - مجرم شناخته می‌شوند و به احکام طولانی و شدید زندان دچار می‌گردند.

حق آزادی دین یا عقیده به همین ترتیب در معاهدات و اسناد متعدد بین‌المللی، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه در باره محو همه اشکال ناروا داری و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد (۱۹۸۱/۱۳۶۰)، مورد حمایت قرار گرفته است.

۹ مسئله بهائیان

از آغاز تأسیس آئین بهائی در ایران در قرن سیزدهم (اواسط قرن نوزدهم میلادی)، پیروان آن همواره قربانیان آزار و اذیت بوده‌اند. جان حداقل ۴۰۰۰ تن از پیروان اولیه این آئین نوپا - که در آن زمان به جنبش بابی معروف بود - به دست افرادی گرفته شد که آن را بدعتی بر اسلام می‌دیدند.

علاوه بر آن، استفاده از بهائیان به عنوان یک وجه‌المصالحه یا سپر بلای مناسب برای همه مصیبت‌هایی که نظام گرفتار آن است، بخشی از یک الگوی تاریخی است که حکومت‌ها برای توجیه استبدادخواهی، با ساختن دشمنانی تخیلی، مردم را به اطاعت بی‌قید و شرط از رهبران خود علیه آن گروه متحد می‌کنند.

طی قرون سیزدهم و چهاردهم (قرن بیستم میلادی)، بروز خشونت‌های دوره‌ای علیه بهائیان ادامه یافت و حکومت بارها از آنها به عنوان یک وجه‌المصالحه استفاده کرد. برای مثال در سال ۱۳۱۲-۱۳۱۱ (۱۹۳۳)، مطبوعات بهائی ممنوع شدند، ازدواج‌های بهائی به رسمیت شناخته نمی‌شدند و بهائینی که در استخدام دولت بودند، تنزل رتبه یافتند و یا شغل‌های خود را از دست دادند. در ۱۳۳۴ (۱۹۵۵)، با همکاری و نظارت حکومت، مرکز ملی بهائیان در تهران تخریب شد و پس از آن که خطبه‌های یک روحانی تندرو بر ضد بهائیان از رادیوی ملی پخش شد، منازل بسیاری از بهائیان مورد غارت قرار گرفت.

رهبران مسلمان و اعضای ارتش شاه در سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵) پس از خطبه‌های ضد بهائی یک روحانی تندرو از رادیوی ملی، مرکز ملی بهائیان در تهران را با کلنگ تخریب کردند.



در حالی که بیشتر موارد قبلی آزار بهائیان پاسخ یک حکومت سکولار به فشارهای روحانیون دینی و دسته‌های سیاسی تحت نفوذ آنها بود، روی کار آمدن یک حکومت واقعاً دینی در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) وضعیت را برای بهائیان سخت‌تر کرد.

از زمان انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (۱۹۷۹)، بهائیان ایران در وطن خود با یک کمپین سیستماتیک آزار دینی که تحت پشتیبانی حکومت صورت گرفته روبرو بوده‌اند. در مراحل اولیه این کمپین، بیش از ۲۰۰ بهائی صرفاً به خاطر عقاید دینی‌شان کشته و حداقل ۱۰۰۰ نفر زندانی شدند.

حکومت، در اواخر دهه ۶۰ (اوایل دهه ۱۹۹۰) با هدف مسدود کردن راه ترقی و توسعه جامعه بهائی تمرکز خود را به محدود کردن بهائیان در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر داد. چنین اقداماتی شامل تلاش‌هایی جهت محروم ساختن بهائیان از وسیله امرار معاش، نابودی میراث فرهنگی آنها و جلوگیری از دستیابی جوانان بهائی به آموزش عالی بود.

راهکار درازمدتی که حکومت برای نابودی جامعه بهائی، بدون جلب توجه و مداخله جامعه بین‌المللی به کار می‌برد، در یادداشتی محرمانه در سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۱) بی‌رحمانه طرح‌ریزی شد که هدفش آشکارا برقراری سیاستی در مورد «مسئله بهائیان» بود.

این سند که به دست شورای عالی انقلاب فرهنگی تهیه شده و به امضای رهبر ایران علی خامنه‌ای رسیده بود، خواهان مجموعه‌ای از اقدامات اجتماعی و اقتصادی است که چیزی کمتر از نقشه‌ای برای ایجاد خفقان در جامعه بهائی نیست.

سند که مهر «محرمانه» بر خود دارد، به درخواست آیت الله خامنه‌ای و رئیس‌جمهور وقت ایران، آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی، تهیه شد. این یادداشت را حجت الاسلام سید محمد گلپایگانی، منشی شورا، امضا و آقای خامنه‌ای تأیید و امضا کرده بود.

این یادداشت در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۳) در ارتباط با گزارش سازمان ملل متحد درباره حقوق بشر در ایران افشا و منتشر شد.

در این سند به طور ویژه خواسته شده با بهائیان ایران به گونه‌ای رفتار شود که «راه ترقی و توسعه آنها مسدود شود». یادداشت به این ترتیب مدرکی قاطع از این حقیقت ارائه می‌دهد که کمپین علیه بهائیان به طور متمرکز توسط حکومت هدایت می‌شود.

در سند اشاره می‌شود که حکومت قصد دارد بهائیان را عامی و بی‌سواد نگاه دارد، به گونه‌ای که تنها در حد گذران زندگی خود درآمد داشته باشند و همیشه در این نگرانی به سر برند که حتی کوچک‌ترین تخلفی ممکن است خطر زندان یا بدتر از آن را به دنبال داشته باشد.

در مثالی دیگر، در سند آمده است که همه بهائیان باید از دانشگاه‌ها اخراج شوند، از رسیدن به «پست‌های مؤثر» محروم بمانند و در عوض تنها به آنان اجازه داده شود که از «وسایل معاش در حد متعارف که در اختیار همه آحاد ملت قرار داده می‌شود» بهره‌مند شوند، با این حال، «در صورت ابراز بهائی بودن اجازه استخدام ندارند».

در این یادداشت همچنین شرایطی که تحت آن بهائیان را می‌توان بازداشت و زندانی کرد، برشمرده می‌شوند و توجیهی برای چنین دستگیری‌هایی به دور از جلب توجه بیش از حد جامعه بین‌المللی ارائه می‌شود. در سند اظهار شده که «بی دلیل آنان دستگیر، زندانی و یا



یادداشت محرمانه ۱۳۶۹ (۱۹۹۱) درباره «مسئله بهائیان». سند به صورت کامل در صفحه ۳۲ آمده است.

مجازات نمی‌شوند». در حالی که این جمله در نگاه اول ممکن است منطقی به نظر آید، اما دستگیری و حبس بهائیان که پس از صدور این سند صورت گرفت، روشن می‌سازد که هدف واقعی آن بوده تا اطمینان حاصل شود هنگامی که بهائیان دستگیر می‌شوند نوعی اتهامات - که ناگزیر دروغین هستند - ضمیمه پرونده آنها شود و ظاهر یک روند قانونی را به آن بدهد.

طی سال‌های پس از نوشته شدن این یادداشت محرمانه، جامعه بهائی ایران آزار فزاینده‌ای را به شکل مطرح شده در سند، تجربه کرده است. بهائیان بازداشت، زندانی و به «جاسوسی» و دیگر اتهامات دروغین متهم شده‌اند. آنها از دستیابی به آموزش و منابع معیشتی محروم مانده‌اند؛ و از هر گونه نفوذ و تأثیری در جامعه ایران و از حق خود برای آزادی دین محروم گشته‌اند.



تلاش‌ها در جهت «مسدود» ساختن راه پیشرفت جامعه بهائی، تخریب امکان مقدس آنها را در برداشته است. در سال‌های اخیر، بر خلاف تقاضاهای فزاینده ایرانیان برای ایجاد برابری میان همه شهروندان، حکومت، سرکوب و ستم خود را شدت بخشیده است.

حکومت در سال ۱۳۸۷-۱۳۸۶ (۲۰۰۸) همه اعضای گروه رهبری جامعه بهائیان ایران را به اتهام واهی جاسوسی برای اسرائیل و اتهامات کذب دیگر دستگیر و زندانی کرد. در زمان نگارش این متن، آنها در حال گذراندن احکام ۲۰ ساله زندان هستند و این طولانی‌ترین حکم صادره برای همه زندانیان عقیدتی کنونی در ایران است.

در ۱۳۸۷-۱۳۸۶ (۲۰۰۸)، هفت بهائی که در سطح ملی رهبری جامعه بهائیان ایران را بر عهده داشتند، دستگیر و سرانجام به جاسوسی و اتهامات دروغین دیگر مجرم شناخته شدند. در زمان نگارش این متن، آنها در حال گذراندن احکام ۲۰ ساله زندان هستند و این طولانی‌ترین حکم صادره برای همه زندانیان عقیدتی کنونی در ایران است. این هفت نفر عبارتند از نشسته از چپ، بهروز توکلی و سعید رضایی و ایستاده، فریبا کمال آبادی، وحید تیزفهم، جمال الدین خانجانی، عقیف نعیمی و مهوش ثابت.

۱۰ نتیجه

این گزارش تلاش کرده است تا میزان چشمگیر افزایش آزار بهائیان به دست حکومت را در یکی از شهرهای ایران طی چهار سال گذشته مستند سازد.

حکومت یا مأموران حکومتی، مجموعه‌ای از حملات را علیه جامعه بهائی سمنان که صرفاً چند صد عضو دارد، سازماندهی کرده‌اند که در آن تقریباً تمامی شیوه‌های سرکوب را که طی ۳۰ سال گذشته بر علیه بهائیان ایران به کار برده شده، می‌توان مشاهده کرد.

بهائیان سمنان از سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۹)، با دستگیری‌های متعدد - حداقل ۳۴ مورد از سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۵) - همراه با بیش از دوازده حادثه آتش‌افروزی، تخریب گورستان در دفعات مکرر و موارد متناوب سوء رفتار با کودکان بهائی در مدارس روبرو بوده‌اند. همچنین با کمپین گسترده‌ای مواجه شده‌اند که به طور وسیعی بر علیه آنان سخنان نفرت برانگیز انتشار داده است، به وسیله دفاتر امنیتی دولتی مدام تحت نظر بوده‌اند و زور و اجباری را تحمل کرده‌اند که هدفش متوقف ساختن عبادت جمعی‌شان بوده است؛ و مانند همکیشانان در سراسر ایران، مغازه‌ها و محل کسب‌وکارشان با بی‌عدالتی



توسط مأموران محلی تعطیل شده و همچنین شاهد تقلای جوانان خود علیه یک سیاست ملی بوده‌اند که آنها را از دسترسی به آموزش عالی محروم ساخته است.

علاوه بر آن، این حقیقت که چنین حملاتی اغلب توسط عناصر نیمه‌رسمی یا مأموران لباس شخصی انجام می‌شوند، بخشی از یک راهکار کلی را منعکس می‌سازد که حکومت برای دور زدن معیارهای بین‌المللی عدالت، بدون جلب توجه آشکار به خود، به کار می‌برد.

در همه این موارد، وضعیت سمنان نمونه کوچک شده‌ای از رویدادهایی است که در سراسر کشور بر بهائیان ایرانی وارد می‌آید، مثالی که به جهان خارج نشان می‌دهد چگونه ایران به صورت سیستماتیک و روشمند نقشه‌نهایی خود برای حذف جامعه بهائی به عنوان یک موجودیت زنده و مانا در کشور را به اجرا درمی‌آورد.

بهائیان سمنان با اقدامات گسترده‌ای تلاش کرده‌اند مقامات دولتی و محلی را متوجه سازند با چه بی‌عدالتی‌هایی روبرو هستند و خواهان جبران خسارت شده‌اند، تمامی این شکایات بی‌نتیجه مانده‌اند جز دو مورد که پس از تقاضاهای مکرر، سرانجام به خانواده‌های بهائی اجازه داده‌اند عزیزان درگذشته خود را در گورستان بهائی به خاک بسپارند.

بهائیان، از همان روزهای آغازین دیانت بهائی در سمنان حضور داشته‌اند. بسیاری از پیروان اولیه و سرشناس این آئین، اهل این منطقه بوده‌اند. علاوه بر این، آنها نزد همسایگان خود مردمانی صادق و دوستدار صلح شناخته می‌شوند. پس این پرسش باید مطرح می‌شود: چرا حکومت ایران تا این حد از بهائیان می‌ترسد که مایل است چنین کمپین شدید و هماهنگ شده‌ای را علیه آنان، به ویژه در جامعه کوچکی مثل سمنان، رهبری کند؟ چرا بهائیان سمنان نباید انتظار رفتاری برابر و مطابق وعده‌های مدارا و عدالت داشته باشند که بنا به قانون اساسی ایران برای همه شهروندان در جمهوری اسلامی تضمین شده است؟

پس این پرسش باید مطرح شود: چرا حکومت ایران چنان از بهائیان می‌ترسد که مایل است چنین کمپین شدید و هماهنگ شده‌ای را علیه آنان، به ویژه در جامعه کوچکی مثل سمنان، رهبری کند؟

جامعه جهانی بهائی با زیر ذرهبین بردن این وضعیت، امیدوار است آنهایی که خارج از ایران به سر می‌برند - آنها که آخرین خط دفاع باقی‌مانده برای بهائیان و دیگر اقلیت‌های تحت ستم در آن کشور هستند - نگرانی خود را از ادامه موارد فاحش نقض معیارهای بین‌المللی حقوق بشر در ایران ابراز دارند. جامعه جهانی بهائی همچنین امیدوار است حکومت ایران دریابد که آزار بهائیان بی‌گناه - که به عدم خشونت و عدم حزب‌گرایی متعهد هستند و تنها آرزویشان آن است که در آبادی اجتماع پیرامون خود سهیم باشند - یک تلاش بیهوده و دارای نتایج معکوس است.

ضمیمه الف - گاه‌شمار رویدادها

فهرستی از برخی رویدادهای مهم مربوط به آزار بهائیان سمنان از سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵)

۱۳۸۴ (۲۰۰۵)

اردیبهشت/خرداد (مه)

• دستگیری هشت بهائی

خرداد/تیر (ژوئن)

• احضار هشت بهائی به دفتر دادستان عمومی.

۱۳۸۵ (۲۰۰۶)

فروردین/اردیبهشت (آوریل)

• محکومیت یک بهائی به شش ماه زندان.

شهریور/مهر (سپتامبر)

• رد تقاضای تجدیدنظر برای هشت بهائی.

۱۳۸۶ (۲۰۰۷)

مرداد - مهر (اوت - سپتامبر)

• تأیید حکم جریمه نقدی سه بهائی سمنانی در دادگاه تجدیدنظر.

تیر/مرداد (ژوئیه)

• احضار بهائیان برای بازجویی.

مرداد/شهریور (اوت)

• درخواست نیروی انتظامی از همه دفاتر تبلیغاتی تجاری مبنی بر عدم همکاری با بهائیان. دلیل این دستور آن بود که نباید کالاهایی که بهائیان به فروش می‌رسانند ترویج شود. تلاش بهائیان در باز پس گرفتن حق تبلیغ کالاهایشان موفقیت‌آمیز نبود.

آذر/دی (دسامبر)

• متهم شدن چهار بهائی و محکومیتشان به جریمه نقدی.

۱۳۸۷ (۲۰۰۸)

مرداد/شهریور (اوت)

• اخراج دانشجوی بهائی از دانشگاه سه هفته پیش از فارغ‌التحصیلی.

آبان - دی (نوامبر - دسامبر)

- برگزاری حداقل دو همایش ضد بهائی یکی از همایش‌ها به بررسی ارتباط فرضی بین آئین بهائی و صهیونیسم پرداخت و با دو فیلم کوتاه درباره «فرقه بهائیت» آغاز شد .

آذر/دی (دسامبر)

- یورش به منازل ۲۰ بهائی در سمنان. ضبط مطالب مربوط به دیانت بهائی، کامپیوترها و تلفن‌های همراه و سرانجام دستگیری ۹ بهائی از این گروه به اتهامات دروغین یا غیرقانونی.
- اخراج یک دانشجوی بهائی از مؤسسه آموزش عالی فضیلت.
- تصمیم اتاق بازرگانی سمنان، همراه با ۳۹ اتحادیه تجاری عضو، در اواخر سال ۱۳۸۷ (اواخر سال ۲۰۰۸) مبنی بر عدم صدور پروانه‌های کسب و جوازهای مدیریتی برای بهائیان در آینده و عدم تمدید پروانه‌های موجود.

۱۳۸۷/۱۳۸۸ (۲۰۰۹)

دی/بهمن (ژانویه)

- رد تقاضای دادگاه تجدیدنظر برای دو بهائی.

بهمن/اسفند (فوریه)

- حمله آتش‌افروزان به آپارتمانی که محل سکونت چند خانواده بهائی است. حمله دوباره به همان ساختمان سه هفته بعد.
- حمله آتش‌افروزان به منازل دو بهائی.
- تهاجم به گورستان بهائی. تخریب پنجاه سنگ قبر، به آتش کشیدن غسلخانه.
- متهم کردن یک بهائی به عضویت در مؤسسات غیرقانونی بهائی.
- برگزاری سمینار ضد بهائی که در آن خطاب به شرکت کنندگان گفته شد «فرقه بهائیت» از اسلام و ایام مذهبی آن متنفر است و با مضحکه ساختن آن علیه بشریت تبلیغ می‌کند.
- اعلان امام جمعه مبنی بر این که «بهائیت» محصول صهیونیسم است که برای مبارزه با اسلام پدید آمده است .

اسفند/فروردین (مارس)

- تخریب اتومبیل و مغازه یک بهائی با استفاده از نوشته‌های ضد بهائی و متعاقب آن پرتاب سنگ به مغازه او و آویختن جسد یک گربه بر درب آن. به آتش کشیده شدن همان مغازه توسط مهاجمان موتورسوار.
- دستگیری یک بهائی.
- لغو پروانه کسب یک بهائی بدون ارائه توضیح. هنگامی که از مأموران درباره لغو پروانه سؤال شد، آنها گفتند که دستور از «مقامات بالاتر» رسیده است.
- یورش به یک مغازه.
- اخراج یک دانشجوی رشته مطالعات اقتصادی از دانشگاه سمنان در اولین ترم تحصیلی وی.
- نوشتن عباراتی ضد بهائی با اسپری رنگی بر دیوارها و درب‌های آپارتمان‌های متعلق به حداقل ۹ بهائی در سمنان.
- مهر و موم مغازه یک بهائی.

فروردین/اردیبهشت (آوریل)

- دستگیری سه بهائی.
- صدور حکم دو سال و نیم زندان برای یک بهائی.
- تخریب اتومبیل‌های دو بهائی.

اردیبهشت/خرداد (مه)

- ایجاد مشکل برای یک خانواده بهائی هنگام خاکسپاری عضو درگذشته خود.
- حمله به خانه یک بهائی.

خرداد/تیر (ژوئن)

- به آتش کشیدن مغازه یک بهائی توسط آتش‌افروزان.

مرداد/شهریور (اوت)

- تخریب بخش بزرگی از گورستان بهائی. مهاجمان همچنین درب ساختمان گورستان را با خاک مسدود کردند.

شهریور/مهر (سپتامبر)

- یورش به مراسم خاکسپاری یک بهائی؛ توده‌های مردم فریاد توهین و تهدید سر دادند.
- توده‌های مردم در مقابل شهرداری سمنان و دفتر فرمانداری گرد آمدند و فریاد «مرگ بر بهائی» سر دادند.

مهر/آبان (اکتبر)

- اخراج سه دانشجوی بهائی از دانشگاه سمنان.

۱۳۹۰ (۲۰۱۱)

شهریور/مهر (سپتامبر)

- بازجویی سه بهائی.

مهر/آبان (اکتبر)

- محکومیت دو بهائی به ترتیب به یک سال زندان و سه سال تبعید از سمنان و شش سال زندان.
- تأیید احکام صادره برای دو بهائی.

آبان/آذر (نوامبر)

- صدور حکم یک سال زندان برای یک بهائی.
- پایان دوران محکومیت یک بهائی.
- زندانی شدن چهار بهائی دور از خانه در زندان اوین تهران.

آذر/دی (دسامبر)

- محکومیت یک بهائی به یک سال زندان و محرومیت او از پروانه کسب به مدت پنج سال.
- بازجویی دو بهائی.
- صدور حکم هفت سال زندان برای یک بهائی.
- تعطیل محل کسب‌وکار حداقل ۱۲ بهائی.

۱۳۹۱/۱۳۹۰ (۲۰۱۲)

دی/بهمن (ژانویه)

- صدور حکم سه سال زندان برای یک بهائی.
- بازداشت یک بهائی به مدت یک روز، آزاد کردن او با ممنوعیت ۱۵ روزه از ترک شهر.
- بازجویی یک بهائی.

- آزادی دو بهائی، دستگیری دوباره یک بهائی.

فروردین/اردیبهشت (آوریل)

- برگزاری محاکمه دو بهائی.
- تعطیلی محل کسب‌وکار یک بهائی.

اردیبهشت/خرداد (مه)

- تعطیل کردن دو کارخانه متعلق به بهائیان توسط مقامات.
- نگهداری دو زن جوان بهائی در یکی از بندهای زندان سمنان با ۳۸ زندانی دیگر که اکثر آنها اعتیاد دارند.
- صدور حکم شش سال و نیم زندان برای یک مرد بهائی و افزودن شش ماه که در احکام پیشین صادر شده بود به حکم تازه.
- صدور حکم چهار سال و نیم زندان برای فردی دیگر.
- احضار یک مرد بهائی برای آغاز دوران محکومیت شش ساله زندان.
- ناموفق بودن تلاش‌های یک زن بهائی در دریافت مرخصی پزشکی از زندان برای شوهرش. این زن خود به چهار سال و چهار ماه زندان محکوم شده است. این زوج بهائی یک دختر هفت ساله و یک پسر دو ساله دارند. اگر پدر و مادر مجبور به گذراندن هم‌زمان دوران محکومیت خود شوند، کسی برای مواظبت از کودکان آنها وجود نخواهد داشت.

خرداد/تیر (ژوئن)

- پلمپ کردن یک کارگاه ساخت در و پنجره آلومینیومی متعلق به یک بهائی. صاحب آن در حال حاضر در زندان است.

تیر/مرداد (ژوئیه)

- احضار تعدادی از مغازه‌داران در سمنان - و نیز الیگودرز، اصفهان و مشهد - به اداره نظارت بر اماکن عمومی یک روز پس از یادبود یکی از تعطیلات مذهبی بهائی. مقامات به بسته بودن محل کسب‌وکار آنها در آن روز اعتراض و ادعا کردند که این کار تبلیغ آن دین محسوب می‌شود. در نتیجه این عمل، تعدادی از محل‌های کسب‌وکار در سمنان تعطیل شدند.
- احضار مادر یک نوزاد یک و نیم ماهه برای آغاز دوران محکومیتش.

ضمیمه ب - اسناد مرتبط

اسناد زیر به طور قاطع نشان می‌دهند که آزار بهائیان در سمنان و دیگر نقاط ایران سیاست رسمی حکومتی است. تعداد زیادی از آنها زمانی محرمانه بودند، اما توسط سازمان ملل متحد یا نهادهای حقوق بشری به دست آمده و افشا شدند. این اسناد عبارتند از:

- سند «مسئله بهائیان» به تاریخ ۱۳۶۹ (۱۹۹۱). این یادداشت محرمانه که در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۳) توسط گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد درباره ایران به دست آمده و افشا شد، به تصویب رهبر جمهوری اسلامی ایران، علی خامنه‌ای، رسیده است. در این سند نقشه جمهوری اسلامی برای مسدود کردن راه ترقی و توسعه بهائیان ایران مطرح شده است.
- نامه‌ای از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران به تاریخ ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) که به حدود ۸۱ دانشگاه دستور می‌دهد هر دانشجویی که مشخص شود بهائی است را اخراج کنند. دانشگاه سمنان شماره ۲۰ در این فهرست است.
- نامه‌ای به تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۸۶ (۹ آوریل ۲۰۰۷) به فرمانده هان انتظامی پیرامون تهران که خواهان اعمال محدودیت‌های شدید بر کسب‌وکار بهائیان است.
- قرار صادره از دادگاه در تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۸۸ (۸ ژوئیه ۲۰۰۸) که سیامک ایقانی، شهروند ساکن سمنان را به خاطر عمل مطابق تعالیم بهائی، به «عضویت در گروه‌های غیرقانونی» و «فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام» محکوم می‌کند.

اصل فارسی یادداشت «مسئله بهائیان» ۱۳۶۹ (۱۹۹۱) که نقشه جمهوری اسلامی برای مسدود ساختن راه ترقی و توسعه بهائیان ایران را مطرح می‌کند. صفحه ۲۳ را ببینید.

شماره ۱۳۲۷
تاریخ ۱۹/۱۲/۶۰
پست

جمهوری ایران
شماره ۱۳۲۷



استحضار

حضرت حجت‌الاسلام جناب آقای محمدی گجراتی
ریاست محترم دفتر مقام معظم رهبری

سلام علیکم

بعد از دعوت و عطف برنامه شماره ۱/۷۸۲ س مورخ ۶۹/۱۰/۱۰ و اثر به ابلاغ اوامر مقام معظم رهبری به ریاست محترم جمهوری در ... بهائیان به استناد ... مورخ ۶۹/۱۱/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت و در تعیین مذاکرات ویرایشی که در جلسه ۱۱۲ مورخ ۶۶/۵/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست مقام معظم رهبری (رئیس دفتر شورای عالی انقلاب فرهنگی) در این خصوص بعمل آمده بود مذاکرات و اوامر اخیر مقام معظم رهبری در رابطه با مسائل بهائیان به اطلاع شورای عالی رسید و با عنایت به مذاکراتی که با نمایندگان اساسی جمهوری اسلامی ایران و مسائل شرعی و قانونی و سیاستهای عمومی کشور صورت پذیرفته و مذاکره و مذاکرات و اعلام نظر واقع گردید و در راستای تعیین و پیشنهادهاست صحیح و مطبوع در سربورد با مسائل مذکور و با عطف توجه خاص به اوامر مقام معظم رهبری جمهوری اسلامی ایران دائر بر آنکه "در این رابطه سیاست گذاری درستی بشود تا همه بتوانند چه گریه‌ها بشود یا نشود" حاصل مذاکرات و پیشنهادات مطرح زیر جمع بندی کرده به ریاست محترم جمهوری و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمن مساعدت دانستن نتیجه مذاکرات و پیشنهادات مقرر فرموده مراتب به استحضار مقام معظم رهبری رسانده شود تا ضمن اتخاذ اقدامات لازم به ترتیب که صلاح دید میفرمایند عمل شود.

جمع بندی نتایج مذاکرات و پیشنهادات

الف: جایگاه کلی بهائیان در نظام مملکتی

- ۱- بدون جهت آنان از مملکت اخراج نمی‌شوند
- ۲- در دلیل آنان دستگیر، زندانی و با مجازات نمی‌شوند
- ۳- بر خود نظام با آنان باید طوری باشد که راه ترقی و توسعه آنان مسدود نشود.

ب: جایگاه فرهنگی

- ۱- در مدارس چنانچه اظهار کردند بهائیانند ثبت نام شوند
- ۲- حتی انظور در مدارس که کادر لوی و مسلط بر مسائل عقیدتی دارند ثبت نام شوند

متن فارسی نامه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به تاریخ ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) که به دانشگاه‌های تحت پوشش این وزارت خانه دستور می‌دهد تا دانشجویانی را که مشخص شده است بهائی هستند را اخراج کنند. صفحه ۱۲ را ببینید.



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

بسم الله تعالی

شماره: ۱
تاریخ: ۱۳۸۵
شماره: ۹۰۶۵
شماره: ۹۳۷۵/۱۳۱۳

محرمانه

مذہبیت محترم حراست:

- ۱- دانشگاه اراک
- ۲- دانشگاه ارومیه
- ۳- دانشگاه اصفهان
- ۴- دانشگاه ایلام
- ۵- دانشگاه آزاد اسلامی (مرکز)
- ۶- دانشگاه بوعلی سینا
- ۷- دانشگاه تبریز
- ۸- دانشگاه تهران
- ۹- دانشگاه تبریز
- ۱۰- دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۱- دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۲- دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۳- دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۴- دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۵- دانشگاه تهران
- ۱۶- دانشگاه خوارزمی
- ۱۷- دانشگاه خوارزمی
- ۱۸- دانشگاه زابل
- ۱۹- دانشگاه زاهد
- ۲۰- دانشگاه سمنان
- ۲۱- دانشگاه سیستان و بلوچستان
- ۲۲- دانشگاه شهید کمالی
- ۲۳- دانشگاه شهید کمالی
- ۲۴- دانشگاه شهید کمالی
- ۲۵- دانشگاه شهید کمالی
- ۲۶- دانشگاه شهید کمالی
- ۲۷- دانشگاه شهید کمالی
- ۲۸- دانشگاه شهید کمالی
- ۲۹- دانشگاه شهید کمالی
- ۳۰- دانشگاه شهید کمالی
- ۳۱- دانشگاه شهید کمالی
- ۳۲- دانشگاه شهید کمالی
- ۳۳- دانشگاه شهید کمالی
- ۳۴- دانشگاه شهید کمالی
- ۳۵- دانشگاه شهید کمالی
- ۳۶- دانشگاه شهید کمالی
- ۳۷- دانشگاه شهید کمالی
- ۳۸- دانشگاه شهید کمالی
- ۳۹- دانشگاه شهید کمالی
- ۴۰- دانشگاه شهید کمالی
- ۴۱- دانشگاه شهید کمالی
- ۴۲- دانشگاه شهید کمالی
- ۴۳- دانشگاه شهید کمالی
- ۴۴- دانشگاه شهید کمالی
- ۴۵- دانشگاه شهید کمالی
- ۴۶- دانشگاه شهید کمالی
- ۴۷- دانشگاه شهید کمالی
- ۴۸- دانشگاه شهید کمالی
- ۴۹- دانشگاه شهید کمالی
- ۵۰- دانشگاه شهید کمالی
- ۵۱- دانشگاه شهید کمالی
- ۵۲- دانشگاه شهید کمالی
- ۵۳- دانشگاه شهید کمالی
- ۵۴- دانشگاه شهید کمالی
- ۵۵- دانشگاه شهید کمالی
- ۵۶- دانشگاه شهید کمالی
- ۵۷- دانشگاه شهید کمالی
- ۵۸- دانشگاه شهید کمالی
- ۵۹- دانشگاه شهید کمالی
- ۶۰- دانشگاه شهید کمالی
- ۶۱- دانشگاه شهید کمالی
- ۶۲- دانشگاه شهید کمالی
- ۶۳- دانشگاه شهید کمالی
- ۶۴- دانشگاه شهید کمالی
- ۶۵- دانشگاه شهید کمالی
- ۶۶- دانشگاه شهید کمالی
- ۶۷- دانشگاه شهید کمالی
- ۶۸- دانشگاه شهید کمالی
- ۶۹- دانشگاه شهید کمالی
- ۷۰- دانشگاه شهید کمالی
- ۷۱- دانشگاه شهید کمالی
- ۷۲- دانشگاه شهید کمالی
- ۷۳- دانشگاه شهید کمالی
- ۷۴- دانشگاه شهید کمالی
- ۷۵- دانشگاه شهید کمالی
- ۷۶- دانشگاه شهید کمالی
- ۷۷- دانشگاه شهید کمالی
- ۷۸- دانشگاه شهید کمالی
- ۷۹- دانشگاه شهید کمالی
- ۸۰- دانشگاه شهید کمالی



موضوع: ممنوعیت تحصیل افراد بهایی در دانشگاه‌ها

باسلام

احتراماً، به آگاهی می‌رسانید. براساس مصوبه شماره ۱۱۲۳۷/م/س مورخ ۶۹/۱۲/۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی و اعلام مراجع ذیصلاح امنیتی، لذا، خاص بهائیان چنانچه در حین ورود به دانشگاه و یا حین تحصیل مشخص گردند که بهایی هستند، می‌بایست از دانشگاه اخراج گردند. لذا ضروری است نسبت به جلوگیری از ادامه تحصیل یا شدگان سرسواب، اقدام لازم به‌عمل آید. نتیجه را به این مرکز منعکس فرمائید.

امیر زارعی
مدیرکل حفاظت مرکزی
۱۳۹۱

اصل نامه به تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۸۶ (۹ آوریل ۲۰۰۷) خطاب به فرمانده هان انتظامی پیرامون تهران که خواهان اعمال محدودیت‌های شدید بر کسب‌وکار بهائیان است. صفحه ۱۵ را ببینید.

شماره: ۱۳۸۶/۲/۱۳ تاریخ: ۱۳/۱/۸۷ پست: ۱۱۱۱۱	 جمهوری اسلامی ایران	
<p style="text-align: center;">فایده کسب شناسی</p> <p>۱۱</p>	<p>از پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ف.ا.ا. تهران - اداره نظارت بر اماکن عمومی به، فرماندهان محترم انتظامی شهرستانهای تابعه - روسای پلیس اطلاعات و امنیت عمومی موضوع بررسی صلاحیت افراد گروهکی و فرقه ضاله بهائیت سلام پایتخته</p> <p>باصوات، بر محمد، آل محمد (ص) و با احترام، به استناد دستورالعمل واسامه از ریاست محترم پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا - نظارت بر اماکن عمومی (بشماره ۱۴/۳۰/۵/۲۰۳۱ مورخه ۸۵/۱۲/۲۱) و با عنایت به افزایش مراجعات و استگان به فرقه ضاله بهائیت جهت اخذ پروانه کسب و حضور موجه و قانونی آنها در جامعه اصناف پس از اخذ پروانه، ضروری است بمنظور کنترل و نظارت مستمر بر فعالیت آنان و حتی المقدور جلوگیری از حضور وسیع آنان در سطح صنوف حساس و مهم سازمانهای صنفی و همچنین افراد گروهکی متقاضی پروانه کسب ضمن مد نظر قرار دادن موارد ذیل برابر دستور العمل شماره ۱۴/۳۰/۷/۱۰۰ مورخه ۸۲/۲/۱۷ (کمیسیون بررسی نهایی) که نوع پرونده های قابل طرح در کمیسیون را مشخص می نماید اقدام گردد.</p> <p>الف) فرقه ضاله بهائیت:</p> <p>۱) نسبت به شناسائی افراد بهائی شاغل در صنوف و جمع آوری آمار به تفکیک (میزان پراکندگی، نوع رسته شناسی) اقدام نمایند.</p> <p>۲) از فعالیت آنان مشاغل با درآمد زانی بالا جلوگیری و صرفاً با صدور مجوز یا پروانه کسب در رسته های شناسی که بتوانند در حد متعارف امرار معاش نمایند موافقت گردد.</p> <p>۳) از صدور مجوز فعالیت برای افراد مذکور در رسته های شناسی حساس (فرهنگی، تبلیغاتی، اقتصادی، نظیر جرایم و نشریات، جواهر و طلا سازی و ساعت و چاپخانه داران، و گویا سازان، موسسات توریستی و اتومبیل کرایه، ناشران کتابفروشان، مسافرخانه داران، هتلداران، آوزشگاههای خیاطی، عکاسی، فیلمبرداری، گیم نت، ایبانه، کافی نت) جلوگیری بعمل آورند.</p> <p>۴) در راستای اجرای احکام شرعی برای پیروان فرقه ضاله بهائیت جهت فعالیت در رسته های شناسی مشروط به طهارت (۱- تالارهای پذیرائی ۲- رستوران و سلف سرویس ۳- اغذیه فروشان و مواد غذایی ۴- چلوکباب و چلو خورشید ۵- قهوه خانه ۶- فروشندگان مواد پروتئینی و سوپر مارکت ۷- بستنی و آبمیوه و نوشابه ۸- قنادی و شیرینی ترشی ۹- کافه، شاپ، پردتعه صادر شیبگرد</p>	
<p>۱۱</p>	<p>۱۱</p>	

صفحه ابتدایی حکمی صادر شده از دادگاه در ۱۷ تیر ۱۳۸۸ (۸ ژوئیه ۲۰۰۸) که سیامک ایقانی، ساکن سمنان را به خاطر عمل بر اساس دیانت بهائی به «عضویت در گروه‌های غیرقانونی» و «فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام» محکوم می‌کند. صفحه ۳ را ببینید.

تاریخ: ۱۳۸۸.....
شماره:
پیوست:

فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ ان تَعْدِلُوا



دادنامه دادگاه

پرونده کلاسه ۸۸۰۹۹۸۲۳۱۶۹۰۰۰۵۶ شعبه دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان سمنان دادنامه شماره

۸۸/۴/۱۷-۸۸۰۹۹۷۲۳۱۷۳۰۰۱۷۰ شماره بایگانی: ۸۸/۹۸

متهم: آقای سیامک ایقانی فرزند ظهورا... به نشانی سمنان گلستان یاسمن اول شرقی پ ۷ با وکالت خانم نسرین ستوده به نشانی: تهران یوسف آباد خ ۲۲ پ ۳ ط همکف
اتهام: الف: عضویت در گروه و جمعیت‌های غیرقانونی وابسته به بهائیان خصوصا "قبول سمت ناظم در جمع خادمین سمنان ب: فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام و به نفع بهائیان

گردشکار: به موجب کیفرخواست شماره ۸۸/۶۹/۰۰۰۵۶ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۰ دادسرای عمومی و انقلاب سمنان که آقای سیامک ایقانی فرزند ظهورا... به اتهام عضویت در دسته و گروه با عطف بر هم زدن امنیت کشور تحت تعقیب قرار گرفته، پرونده امر جهت رسیدگی به شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سمنان ارجاع شده است. دادگاه پس از جری تشریفات قانونی و تعیین وقت مقرر بتاريخ ۸۸/۴/۹ دادرسی را آغاز نموده و با انجام تحقیقات لازم، استماع اظهارات نماینده محترم دادستان و مدافعات متهم و اخذ آخرین دفاع و رسیدگی مکتفی پیرامون مفاد کیفرخواست، ختم رسیدگی را اعلام نموده و با استعانت از محضر خداوند سبحان بشرح ذیل مبادرت به انشاء رای می نماید.

۷، ۱۰، ۲۰ «رای دادگاه»

حسب کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب سمنان به شماره ۸۸/۶۹/۰۰۰۵۶ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۰ آقای سیامک ایقانی فرزند ظهورا... ۴۱ ساله، شغل فروشنده عینک، باسواد، متأهل، فاقد سابقه کیفری، آزاد به جهت تودیع وثیقه، اهل و مقیم سمنان، شهرک گلستان یاسمن اول شرقی پ ۷ عضو گروهک فرقه ضاله بهائی با وکالت خانمها شیرین عبادی، نسیم غنوی و نسرین منفرد متهم است به الف: عضویت در گروه و جمعیت‌های غیرقانونی وابسته به بهائیان خصوصا "قبول سمت ناظم در جمع خادمین سمنان ب: فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام و به نفع بهائیان. توضیحا" اینکه پس از گزارشهای متعدد مردم عتدین و حزب اللهی به مراجع ذی ربط مبنی بر فعالیت‌های تشکیلاتی و تبلیغ سازماندهی شده اعضای فرقه ضاله بهائیت در سطح جامعه اسلامی جهت جذب و تحکیم مبانی فرقه مذکور و نگرانی شدید مردمی از این موضوع وزیر محترم اطلاعات طی نامه ای از دادستان محترم کل کشور وضعیت گروه موصوف را استعلام که ایشان با توجه به نظر مبارک حضرت امام راحل، مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید طی نامه ای در پاسخ به وزیر محترم اطلاعات به این شرح پاسخ دادند که: در رویه و کارنامه و پیشینه شبکه و تشکیلات سیاسی-اطلاعاتی «بهائیت» نه در زمره احزاب و جمعیت‌های قانونی دارای مجوز فعالیت بوده و نه در لیست احصاء شده ادیان الهی جای گرفته و نه منطبق با تعریف اقلیت‌های مذهبی هستند. مستندات و امارات و قرائن نسبت آمده جلگی از آن است که تشکیلات مزبور با دشمنان خارجی ملت ایران در ارتباط مستقیم بوده و